



سیاست؛ نسخه علاج تجارت



سبزپوشی بورس ۲۰ روزه شد



عامل روسی ثابت قیمت نفت



خسارت دومیلیون دلاری اندونگ گیت



سال آزادسازی قیمت خودرو؟

آنچه سال‌ها از سوی فعالان صنعت خودرو، اقتصاددانان و حتی برخی سیاستگذاران به‌عنوان...

صفحه ۲

درآمدسازی از دریاب سبک ۵ کشور

توازن منطقه‌ای و کاهش محرومیت در استان‌های ساحلی را هم به همراه خواهد داشت. در همین راستا مرکز مجلس...

صفحه ۴

پرواز قیمت «رم» در بازار

عبور دلار از مرز ۱۳۰ هزار تومان، افزایش جهانی قیمت قطعات و کمبود تراشه‌های...

صفحه ۶

سیاست؛ نسخه علاج تجارت

کریم حسن پور - روند رشد تجارت ایران در اواخر دهه ۹۰ شمسی متوقف شد. طی سالهای اخیر، به مرور ارزش هر تن کالای صادراتی کشور افت کرده و سبب صادرات ایران به مواد خام مورد نیاز برای تولید در سایر کشورها محدود شده است.

کمتز کشور و کمتز برندی در بازار ایران حضور یافته است. بنابراین چنانچه روابط خود را با دنیا اصلاح کنیم، فرصت حضور برندهای معتبر جهانی در ایران فراهم است. همین موضوع نیز می‌تواند به بستری برای توسعه همه‌جانبه تبدیل شود. وی افزود: ما در طول سال‌های گذشته انحراف جدی از مسیر اساسی حکمرانی کلاً آمد اقتصادی داشتیم. در این سال‌ها در اقتصاد ما رانت به‌شدت تقویت شده است. به بیان دقیق‌تر در مسیر فروش رانت قدم برداشته‌ایم. به اعتقاد من بخش بزرگی از مشکلات جدی اقتصادی ما در مقطع کنونی از رانت‌هایی نشأت می‌گیرد که اقتصاد ایران را تضعیف می‌کند؛ در این شرایط کوتاه کردن دست رانت‌خواران با وجود قدرت اقتصادی که در اختیار گرفته‌اند نیز به‌شدت دشوار شده است.

بازگشت به صحنه تجارت جهانی

سعید ایرانش، کارشناس اقتصادی، در حوزه تجارت در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» در ارزیابی شرایط نامساعد اقتصادی گفت: ثبات داخلی پیش‌شرط جذب سرمایه خارجی و همچنین برقراری تعاملات تجارت در سطح بین‌المللی است. در این سال‌ها با شدت گرفتن تنش‌های داخلی و خارجی با محرومیت ایران، عملاً مسیر ورود سرمایه خارجی به کشور به‌شدت محدود شده است. هم‌زمان شاهد خروج بخش بزرگی از سرمایه‌های ایرانی به کشورهای دیگر هستیم. به بیان دقیق‌تر، طی این سال‌ها ریسک‌های تجاری در ایران افزایش یافته است. بروز تنش‌های داخلی و خارجی و همچنین افت جدی در شاخص‌های کلان اقتصادی از دیگر مواردی هستند که ریسک همکاری‌های اقتصادی تجاری با ایران را برای طرف‌های خارجی دشوار می‌کنند. در این میان تجارت ما محدود به چند کشور خاص از جمله چین و کشورهای همسایه شده است. چنانچه روند کنونی ادامه یابد، همین تجارت محدود نیز تقلیل خواهد یافت.

ایرانش تأکید کرد: در این سال‌ها سهم تجارت ایران در اقتصاد بین‌الملل به کمتز از یک‌صدم درصد کاهش یافته است. همین آمار گویای آن است که ما دیگر اثرگذاری در تجارت جهانی نداریم. افت سهم ایران در تجارت جهانی از دلایل متعددی نشأت می‌گیرد. این کارشناس اقتصادی گفت: تمام طول سال‌های گذشته تحت تأثیر شرایط تحریمی، عدم عضویت ایران در کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین بی‌توجهی به عضویت در سازمان تجارت جهانی، عملاً حضور و اثرگذاری ایران در فرآیندهای تجاری جهانی به‌شدت محدود شده است.

وی افزود: با اعمال محدودیت‌های شدید در روندهای تجاری ایران تحت تأثیر شرایط تحریمی، بخشی از واردات و صادرات کشور، به‌صورت غیررسمی انجام می‌شود. یعنی آمار ثبت‌شده از تجارت ایران در سطح جهانی نیز دقیق نیستند. در حال حاضر نیز انتظار می‌رود با تشدید تحریم‌های اقتصادی، اعمال محدودیت علیه ایران به‌شدت پررنگ‌تر شود. این کارشناس اقتصادی در پاسخ به سؤالی مبنی بر امکان بازیابی جایگاه ایران در صحنه تجارت جهانی با اصلاح حکمرانی اقتصادی گفت: تمام کشورهای دنیا حکمرانی و سیاست در خدمت اقتصاد هستند. اقتصاد ما نباید گروگان سیاست باشد. دنیای کنونی براساس تجارت و شاخص‌های تجاری پیش می‌رود. چنانچه ما با دنیا همراه نباشیم در انزوا قرار خواهیم گرفت؛ بنابراین تنها راهکار عبور از شرایط کنونی حرکت به سمت استانداردهای جهانی و برقراری تعامل سازنده با دنیا است.

وی افزود: ایران از فرصت‌های بسیار و ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاری برخوردار است. چنانچه چالش‌های جدی حاکم بر اقتصاد، سیاست و نابسامانی‌های اجتماعی مرتفع شود، کشور ما توان بازسازی جایگاه خود را در سطح بین‌المللی خواهد داشت. ایرانش گفت: در پژوهش‌های کارشناسی فرصت سرمایه‌گذاری در ایران بالغ بر صدها میلیارد دلار برآورد شده است. چنانچه با دنیا تعامل کنیم، شاهد ورود سیل عظیم سرمایه به کشور خواهیم بود. این سرمایه به‌منزله ارتقای قدرت تجاری ایران در سطح بین‌المللی نیز خواهد بود. لازم‌ه تحقیق این هدف بازگشت عقلانیت به فرآیندهای سیاست‌گذاری کلان است.

کارشناس معتقدند با توجه به نیروی انسانی تحصیل‌کرده در داخل و خارج کشور، ظرفیت‌های طبیعی و موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران، «احیای تجارت»، امری امکان‌پذیر است و در صورت تغییر سیاست‌های اقتصادی، شاهد بازگشت «ساخت ایران» به بازارهای جهانی خواهیم بود. مرضیه احقانی: توسعه تجاری و مبادلات در سطح بین‌المللی گریزگاهی برای برون‌رفت از رکود و حرکت در مسیر توسعه اقتصادی است. با وجود این در طول سال‌های گذشته فرصت حضور ایران در بازار تجاری دنیا به‌شدت محدود شده است. اثرگذاری ایران در بازار رقابت جهانی نیز بسیار ناچیز است. در چنین فضایی این سوال اساسی مطرح می‌شود که آیا با اصلاح حکمرانی اقتصادی می‌توان در مسیر بازیابی شرایط گام برداشت؟ توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که ایران از فرصت‌های بی‌ظنیری برای توسعه برخوردار است که از جمله مهم‌ترین آنها باید به ذخایر عظیم نفت و گاز از ظرفیت خوبی برای توسعه و جذب سرمایه برخوردار است. پتانسیل جغرافیایی کشور امکان توسعه اقتصادی و تعاملات جهانی را برای ما مهیا می‌کند. این مزیت‌ها همچنین می‌تواند به‌عنوان بستری برای جذب سرمایه خارجی شناخته شوند. در همین حال با توجه به مزیت‌های مورد بحث عملاً امکان تقویت رابطه تجاری ما با دنیا وجود دارد.

در این میان باید تأکید کرد که جایگزینی دیپلماسی اقتصادی به‌جای رویکردهای تقابلی در سطح بین‌المللی مهم‌ترین پیش‌شرط برای مقابله با شرایط کنونی است. در همین حال می‌توان با تقویت روابط با بلوک‌های اقتصادی و گسترده‌سازی روابط تجاری و تولیدی با سایر کشورهای منطقه به‌خصوص همسایگان ایران از انزوای کنونی عبور کرد. توجه به این نکته مهم ضروری به‌نظر می‌رسد که ایجاد منافع متقابل اقتصادی میان ایران و سایر کشورها پایه توافقات سیاسی پایدار را بنا می‌نهد. اما این گزاره مهم در طول سال‌های گذشته عملاً مورد غفلت قرار گرفته است. توجه به این مسأله مهم می‌تواند به منزله ترسیم افق پایداری برای اقتصاد ایران در آینده باشد.

بازخوانی پرونده تجاری ایران

محمدرضا مودودی، رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت ایران در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» در تشریح فرصت‌های پیش روی تجارت کشور در صورت اصلاح سیاست‌های اقتصادی با اشاره به مسیر تجارت ما در گذر تاریخی چند دهه‌ساله اخیر گفت: توسعه صادرات غیرنفتی کشور از دهه ۱۳۷۰ آغاز شد. ارزش صادرات ایران در اواخر دهه ۷۰ برابر ۵۰۰ میلیون دلار بود. در طول دهه ۱۳۸۰ شاهد توسعه صنایع با هدف صادرات و همچنین برنامه‌ریزی برای حضور در بازار رقابت جهانی بودیم. تلاش برای ارتقای سطح تجارت ایران در سطح بین‌المللی به افزایش ارزش صادرات ما تا مرز ۵۰۰ میلیارد دلار منتهی شد. یعنی شاهد رشد جهشی صادرات غیرنفتی کشور بودیم؛ اما این رشد ادامه‌دار نبود. وی افزود: از سال‌های نخست دهه ۱۳۹۰ سیاست‌های تجارت خارجی

رقابت ترکیه و اسرائیل در شاخ آفریقا

تصمیم ۲۶ دسامبر ۲۰۲۵ اسرائیل برای به‌رسمیت‌شناختن شمالی‌لند، جنجال بین‌المللی را برانگیخته و باعث انتقاد اعضای شورای امنیت شده است. اسرائیل که به‌دلیل جنگ غزه در سطح بین‌المللی منزوی شده، به دنبال گسترش حمایت، به‌ویژه در جهان عرب است. «رینا باسبیت» در گزارشی برای المانیور نوشت، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، موفق شده انتقادات داخلی در اسرائیل به‌دلیل عملکرد این رژیم در عرصه بین‌المللی را منحرف کند. او از اینکه توانسته چنین کاری انجام دهد و توافق‌نامه‌های ابراهیم را در سال ۲۰۲۰ گسترش دهد، به خود می‌بالد. با این حال، با توجه به مخالفت اکثر جامعه بین‌المللی با چنین اقدامی، به‌رسمیت‌شناختن شمالی‌لند توسط نتانیاهو، بیش از آنکه سودی برای این رژیم داشته باشد، خطراتی به دنبال دارد. هیچ کشوری قصدی برای پیروی از اسرائیل در به‌رسمیت‌شناختن شمالی‌لند ابراز نکرده است. استدلال مشاوران نتانیاهو این است که به‌رسمیت‌شناختن شمالی‌لند به اسرائیل در نبرد با حوثی‌ها در یمن کمک خواهد کرد.



با وجود این سیاست‌های اقتصادی ما در طول دهه‌های گذشته صحیح نبوده و فرصت‌های پیش رویمان حداکثر بهره را نبریم.



۵ فر حناز نعمتی –اگر چه ناماگر اصلی بورس تهران دیروز در گیر یک حرکت رفت و برگشتی در کانال ۰.۱میلیون واحد بود، اما حفظ روند صعودی در بازار سرما یه برای فعالان بازار اهمیت بیشتری داشت.

بورس تهران پس از تجربه یک روند پرقدرت صعودی در شش هفته متوالی اخیر، نخستین روز معاملاتی هفته جدید را نیز با برتری محسوس تقاضا آغاز کرد و به این ترتیب شاخص کل وارد بیستمین روز مثبت متوالی خود شد و در این مدت رشد ۲۵ درصدی را ثبت کرد. در دقایق ابتدایی معاملات، شدت ورود سفارش‌های خرید به اندازمای بود که شاخص کل برای نخستین‌بار موفق شد از مرز ۴میلیون و ۱۰۰ هزار واحد عبور کند؛ سطحی که از منظر روانی و تحلیلی اهمیت بالایی برای فعالان بازار دارد. این رخداد نشان داد خوش‌بینی نسبت به چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار سهام همچنان پابرجاست و بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌گذاران، روند صعودی هفته‌های اخیر را قابل تداوم ارزیابی می‌کنند. بسا این حال، در نیمه دوم معاملات، فضای بازار تا حدی تغییر کرد. افزایش تدریجی عرضه‌ها، شناسایی سود از سوی معامله‌گران کوتاه‌مدت و فعال‌تر شدن سمت فروش باعث شد شاخص‌های بورسی از اوج‌های روزانه عقب‌نشینی کنند. در نهایت، شاخص کل نتوانست حضور خود را در کانال ۱.۴میلیون واحدی تثبیت کند و معاملات روز با بازگشت ناماگر اصلی به سطوح پایین‌تر از این مرز روانی به پایان رسید. این رفتار بیش از آنکه نشانه‌ای از تضعیف روند باشد، می‌تواند به‌عنوان یک اصلاح طبیعی و استراحت مقطعی پس از رشد پرشتاب اخیر تعبیر شود؛ اصلاحی که در صورت حفظ متغیرهای حمایتی، می‌تواند زمینه‌ساز تداوم حرکت صعودی بازار در روزهای آتی باشد.

تجربه دوره‌های گذشته بازار سرمایه حاکی از آن است که شاخص‌ها پس از برخورد با سقف‌های متعدد، معمولا استراحت کوتاه‌مدتی دارند یا حرکات رفت‌وبرگشتی را تجربه می‌کنند؛ اتفاقی که طی آن، سهام میان خریداران و فروشندگان جابه‌جا می‌شود و بخشی از هیجان و فشار انباشته‌شده در سمت تقاضا تخلیه می‌شود. این رفتار اغلب نشانه‌ای از تضعیف روند صعودی محسوب نمی‌شود و در بسیاری از موارد به تعمیق معاملات، افزایش مشارکت بازیگران مختلف و بازآرایی پرتفوها منجر شده است.

چنین اصلاح‌هایی به بازار این امکان را می‌دهد که با تثبیت قیمت‌ها و ایجاد تعادل نسبی، انرژی لازم برای ادامه حرکت را بازیابی کند. در شرایط کنونی نیز بررسی متغیرهای بنیادی، از چشم‌انداز سودآوری شرکت‌ها گرفته تا انتظارات تورمی و جهت‌گیری نقدینگی، نشان می‌دهد که بستری کلی بازار همچنان مساعد است. از این منظر، نوسانات اخیر بیش از آنکه حامل پیام تغییر مسیر روند اصلی باشد، می‌تواند به‌عنوان اصلاح‌های طبیعی و



آیا شاخص‌ها فریب می‌دهند؟

حضور شاخص کل بورس در محدوده ۴میلیون و ۱۰۰ هزار واحد، بار دیگر نگاه سرمایه‌گذاران را به آینده بازار سهام دوخته است. در شرایطی که رشد نرخ ارز، مفروضات بودجه‌ای و ورود تدریجی نقدینگی جدید از تداوم روند صعودی حمایت می‌کند، نگرانی از اصلاح و بازگشت بازار نیز همچنان پابرجاست. اکنون پرسش اصلی فعالان بازار این است که آیا بورس در آستانه یک پرواز تازه قرار دارد یا پس از این رشد، وارد فاز اصلاح خواهد شد.

شاخص کل، آینه تمام‌نمای بورس نیست

هاتف شاملو، کارشناس بازار سرمایه، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به وضعیت فعلی بورس گفت: هرچند شاخص کل به دلیل فرمول محاسبه، تصویر دقیقی از کلیت بازار ارائه نمی‌دهد و به‌راحتی تحت‌تاثیر چند سهم بزرگ قرار می‌گیرد، اما از آنجا که همچنان مبنای تصمیم‌گیری بسیاری از فعالان بازار است، بررسی روند آن اهمیت دارد.

او افزود: شاخص کل در حال حاضر در محدوده ۴میلیون و ۱۰۰ هزار واحد قرار دارد و برای ادامه مسیر صعودی، نیازمند عبور و تثبیت بالای محدوده ۴ میلیون تا ۴میلیون و ۲۵۰ هزار واحد است. به گفته شاملو، در صورت عبور از این سطح، هدف بعدی شاخص در کوتاه‌مدت می‌تواند محدوده ۴میلیون و ۵۰۰ هزار واحد باشد. هرچند بازار ممکن است پیش از آن وارد فاز اصلاح زمانی یا قیمتی شود.

این کارشناس بازار سرمایه با تأکید بر نقش متغیرهای بنیادی گفت: مهم‌ترین عامل حمایت‌کننده از بازار در مقطع فعلی، رشد نرخ‌های مختلف ارز است. افزایش دلار توافقی در تالار اول، در نظر گرفتن نرخ‌های بالاتر در بودجه و همچنین سوق دادن بخشی از صادرات به تالار دوم با نرخ‌هایی بالاتر از ۱۱۰ هزار تومان، باعث شده دلار پایه محاسباتی شرکت‌ها افزایش یابد و چشم‌انداز سودآوری بنگاه‌های بورسی بهبود پیدا کند.

شاملو تصریح کرد: رشد همزمان دلار آزاد و نرخ‌های تسعیر، در کنار افزایش نرخ فروش محصولات، به‌ویژه برای شرکت‌های تورم‌محور، فضای مثبتی در بازار ایجاد کرده است. این در حالی است که بازار سهام نسبت به بازارهایی مانند طلا و ارز همچنان عقب‌مانده محسوب می‌شود و بخش مهمی از رشد این بازارها هنوز در قیمت سهام منعکس نشده است. او با اشاره به وضعیت صنایع مختلف گفت: صنایعی مانند دارو، غذا و زراعی که ماهیت تورم‌محور دارند و از مفروضات بودجه‌ای نیز اثر مثبت می‌گیرند، می‌توانند در ادامه مورد توجه بازار قرار گیرند. در کنار آن، صنایع صادرات‌محور از جمله شیمیایی‌ها، فولادی‌ها، معدنی‌ها و فلزی‌ها نیز با افزایش نرخ دلار و بهبود نرخ‌های تسعیر، ظرفیت رشد سودآوری دارند. حتی گروه بانکی نیز به دلیل حجم بالای دارایی‌های ارزی، در صورت تسعیر با نرخ‌های بالاتر، می‌تواند با جهش سودآوری مواجه شود، هرچند محدودیت‌هایی در تقسیم سود دارد.

سبزپوشی بورس ۲۰ روزه شد

با این حال، در طول معاملات بازار یکدست و بدون نوسان نبود. در برخی مقاطع، افزایش فشار عرضه سبب شد بیش از ۱۲۰ نماد از محدوده مثبت عقب‌نشینی کرده و به ناحیه منفی بازگردند؛ رفتاری که می‌توان آن را بخشی از فرآیند طبیعی تعدیل قیمت‌ها و شناسایی سود پس از رشدهای پرشتاب اخیر تلقی کرد، نه نشانه‌ای از تغییر جهت روند کلی بازار.

در ایسن میان، ارزش معاملات خرد بر اساس محاسبات «دنیای اقتصاد» با ثبت رقم قابل‌توجه ۲۳ هزار و ۱۸۰میلیارد تومان در سطوح بالایی باقی ماند. از این میزان، ۲ هزار و ۸۲۶میلیارد تومان ورود پول حقیقی به بازار سهام به ثبت رسید؛ آماری معنادار که بیانگر تداوم حضور فعال و اثرگذار سرمایه‌گذاران حقیقی در سمت تقاضا و تقویت‌کننده چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار سهام است.

صنایع شاخص‌ساز در کانون توجه

بررسی جریان نقدینگی در میان صنایع بورسی نشان می‌دهد که در معاملات دیروز، پول حقیقی بار دیگر به سمت صنایع بزرگ، بنیادی و اثرگذار بازار متمایل شده است؛ رفتاری که معمولاً در دوره‌های تقویت انتظارات صعودی و افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به تداوم روند بازار مشاهده می‌شود. تمرکز تقاضا در صنایع شاخص‌ساز، نشان‌دهنده اولویت یافتن سهام با وزن بالا در پرتفوی فعالان حقیقی و تلاش برای بهره‌گیری از لیدری این گروه‌ها در حرکت کلی بازار است.

در این میان، صنعت محمولات شیمیایی با جذب ۶۱۸میلیارد تومان نقدینگی حقیقی، در صدر فهرست صنایع پرتقاضای بازار قرار گرفت. این میزان ورود پول، بار دیگر جایگاه این صنعت را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی توجه سرمایه‌گذاران تثبیت کرد. پس از آن، گروه فلزات اساسی با ورود ۴۲۶میلیارد تومان پول حقیقی، دومین مقصد مهم نقدینگی بازار بود؛ موضوعی که بیانگر بازگشت نگاه‌ها به نمادهای کامودیتی‌محور و اثرپذیر از متغیرهای کلان از جمله نرخ ارز و قیمت‌های جهانی است.

در کنار این دو گروه لیدر، صنایع پالایشی، بانکی و دارویی نیز با تقاضای قابل‌توجهی مواجه شدند و ورود پول حقیقی را تجربه کردند. حضور همزمان نقدینگی در این صنایع، حاکی از نوعی تنوع در انتخاب سرمایه‌گذاران است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر صنایع صادرات‌محور، گروه‌های وابسته به سیاست‌های پولی، اصلاحات ساختاری و انتظارات تورمی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در سوی مقابل، گروه چندرشته‌ای صنعتی بیشترین میزان خروج نقدینگی حقیقی را به ثبت رساند و حدود ۴۰میلیارد تومان پول حقیقی از این صنعت خارج شد. پس از آن، صنایع خودرو و نیروگاهی با میانگین خروج نزدیک به ۲۵میلیارد تومان، در رتبه‌های بعدی خروج نقدینگی قرار گرفتند. این رفتار می‌تواند ناشی از شناسایی سود کوتاه‌مدت یا تردید سرمایه‌گذاران نسبت به چشم‌انداز بنیادی این گروه‌ها در مقطع فعلی باشد.

در بخش صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله نیز تصویر جریان نقدینگی کاملا معنادار بود. صندوق‌های سهامی با جذب ۲ هزار و ۹۲۲میلیارد تومان پول حقیقی، بیشترین سهم از ورود نقدینگی دیروز را به خود اختصاص دادند که نشانه‌ای روشن از تقویت رویکرد ریسک‌پذیر در میان سرمایه‌گذاران است. در مقابل، صندوق‌های اهرمی روزی منفی را پشت سر گذاشتند و صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج بیش از ۱.۸ هزار میلیارد تومان پول حقیقی، بیشترین میزان خروج نقدینگی را در میان ابزارهای مالی بازار سرمایه ثبت کردند؛ موضوعی که از کاهش تمایل به دارایی‌های کم‌ریسک و افزایش وزن سهام در سبد سرمایه‌گذاران حکایت دارد.

رکوردهشکنی شاخص کل با ورود نقدینگی جدید

بهنام علیخانی، تحلیلگر ارشد بازار سرمایه، با اشاره به عملکرد بورس در هفته اول دی‌ماه ۱۴۰۴ گفت: «یکی از مهم‌ترین محرک‌های این رشد، ورود نقدینگی جدید به بازار بود. این جریان نقدینگی عمدتا به سمت سهام بزرگ و ارزنده حرکت کرد و همین موضوع باعث شد صنایعی مانند پتروشیمی، فلزات اساسی و بانک‌ها با رشد قابل‌توجهی همراه شوند.»

این تحلیلگر ارشد بازار سرمایه در ادامه با اشاره به نقش نمادهای شاخص‌ساز اظهار کرد: «برخی از نمادهای شاخص‌ساز در این دوره نقش پررنگی در رشد شاخص کل داشتند. تقویت صادرات و رشد قیمت‌های جهانی نفت و فلزات باعث شد برخی شرکت‌ها بیش از گذشته مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار بگیرند و در نهایت، عبور شاخص کل از مرز ۴میلیون واحد به‌عنوان یک نقطه عطف روانی و فنی در بازار ثبت شود.» علیخانی با اشاره به متغیرهای کلان اثرگذار بر بازار گفت: «در کنار عوامل بنیادی، تحولات سیاسی و اقتصادی به‌ویژه در حوزه سیاست‌های ارزی نیز اهمیت بالایی دارد. طی هفته‌های اخیر، روند صعودی نرخ ارز در بازار آزاد و توافقی به‌طور مستقیم بر انتظارات تورمی و جریان نقدینگی در بورس اثر گذاشته است. همچنین لایحه بودجه ۱۴۰۵ و تصمیمات دولت درباره نرخ ارز و حذف ارز ترجیحی می‌تواند هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی را برای بازار سهام ایجاد کند.»

وی ادامه داد: «نرخ دلار، چه در بازار آزاد و چه در بازار توافقی، همچنان یکی از محرک‌های اصلی حرکت بازار است و سرمایه‌گذاران با دقت این متغیر را رصد می‌کنند. در کنار آن، گزارش‌های ماهانه و میان‌دوره‌ای شرکت‌ها نیز نقش تعیین‌کننده‌ات کاملا داشته. برخی گزارش‌ها ممکن است گزارش‌های ضعیف برای شرکت‌هایی با بنیاد سست، قابل‌توجهی از شرکت‌ها گزارش‌های خود را منتشر نکرده‌اند.» این تحلیلگر بازار سرمایه تأکید کرد: «با انتشار گزارش‌های جدید، احتمالا برخی از نمادهای کوچک و پشوانه بنیادی مناسب می‌توانند بازدهی قابل قبولی برای سهامداران ایجاد کنند؛ موضوعی که به‌ویژه برای فعالان کوتاه‌مدت و نوسان‌گیر جذاب است. البته در مقابل، ممکن است گزارش‌های ضعیف برای شرکت‌هایی با بنیاد سست، سیگنال هشدار ارسال کند و سرمایه‌گذاران باید نسبت به این دسته از سهام محتاط باشند.»

علیخانی درباره معاملات روز شنبه ۶ دی‌ماه نیز گفت: «همان‌طور که انتظار می‌رفت، در ابتدای بازار شاهد صف‌های خرید سنگین و فشار تقاضا بودیم، اما در نیمه دوم روز عرضه‌ها افزایش یافت؛ به‌ویژه در برخی نمادهای کوچک‌تر. این نوسانات کاملا طبیعی است و نباید به‌عنوان نشانه‌ای منفی تلقی شود، چراکه بخشی از فرآیند تعادل‌بخشی بازار به شمار می‌رود.»

وی د پایان خاطر نشان کرد: «با توجه به افزایش حجم و ارزش معاملات و تداوم ورود پول، احتمال ادامه‌دار بودن روند صعودی بازار در روزها و هفته‌های آینده وجود دارد. هرچند نوسان اجتناب‌ناپذیر است، اما در مجموع چشم‌انداز بازار مثبت ارزیابی می‌شود. با این حال، توصیه اصلی به سرمایه‌گذاران این است که تصمیمات خود را بر مبنای تحلیل‌های دقیق بنیادی اتخاذ کنند و از ورود به سهامی که پشتوانه بنیادی ضعیفی دارند، پرهیز کنند.»

آیا شاخص‌های فعلی بورس تهران، واقعیت بازار را به درستی منعکس می‌کنند یا نیازمند تحولی اساسی هستند؟ شاخص‌ها به‌عنوان زبان مشترک سرمایه‌گذاران، نعتن‌ها ابزار تحلیل هستند، بلکه مبنای طراحی محصولات مالی و ارزیابی عملکرد می‌شوند. با این حال، در اقتصاد ایران با ویژگی‌هایی چون تورم مزمن و نوسانات شدید، محدودیت‌های این ناماگر‌ها آشکارتر شده است. آیا شاخص‌ها فریب می‌دهند؟

شاخص کل با تأثیرپذیری از چند نماد بزرگ، لزوما نمایانگر کل بازار نیست. شاخص هموزن نیز با وجود ارائه تصویری از سهام کوچک، در برابر نوسانات آسیب‌پذیر است. شاخص صنایع هم با تمرکز بر بخش‌های سنتی، از تحولات اقتصاد نوین غافل مانده است. این کاستی‌ها در مقایسه با بازارهای جهانی که از شاخص‌های پیشرفته‌ای مانند ESG یا Smart Beta بهره می‌برند، بیشتر خود را نشان می‌دهد. در پاسخ به این خدْ، شرکت بورس برنامه‌ای برای رونمایی از شاخص‌های جدید تفکیک‌شده بر اساس اندازه شرکت‌ها تا پایان سال اعلام کرده است. این حرکت اگر با پوشش ضعف‌های ساختاری و هدف قراردادن «مأمیندگی واقعی» بازار همراه باشد، می‌تواند گامی به سوی شفافیت و تحلیلی‌تر شدن فضای سرمایه‌گذاری باشد. آینده بورس تهران شاید در گرو طراحی ناماگرهایی است که نه تنها عدد، که روایت درستی از بازار ارائه دهند.

کف یا سقف؛ بازار به کدامسو است؟



این کارشناس بازار سرمایه درباره اصلاح احتمالی بازار گفت: در صورت اصلاح، محدوده ۴میلیون واحد می‌تواند نقش حمایت روانی داشته باشد، اما کف معتبرتر تر شاخص در محدوده ۳میلیون و ۸۰۰ هزار واحد قرار دارد. در سناریوهای بدبینانه‌تر، افت تا محدوده ۳میلیون و ۷۰۰ هزار واحد نیز قابل تصور است و تنها در صورت بروز ریسک‌های شدید سیاسی، احتمال شکست این سطوح وجود دارد. شاملو در پایان با اشاره به چشم‌انداز میان‌مدت بازار گفت: با فرض نبود تنش‌های جدی و تداوم رشد نرخ ارز، می‌توان انتظار داشت شاخص کل در اقی یک تا دو ساله به سطوح بالاتری دست یابد. به گفته او، بازار سهام از منظر بنیادی هنوز ظرفیت رشد دارد و افزایش سودآوری شرکت‌ها، ورود نقدینگی جدید و بهبود انتظارات تورمی می‌تواند مسیر رشد بازار را تقویت کند.

مقاومت روانی برای اعداد جدید شاخص

میلاد زمانی، کارشناس بازار سرمایه، با اشاره به وضعیت فعلی شاخص کل گفت: با توجه به میزان نقدینگی موجود در کشور و سیر تورمی که وجود دارد، طبیعی است که شاخص کل توانسته تا حوالی چهارمیلیون و ۱۰۰ هزار واحد رشد کند و حتی از این محدوده عبور کند. در صورت تثبیت بالای این قیمت، شاخص کل می‌تواند اهداف تکنیکالی خود را تا محدوده چهارمیلیون و ۲۵۰ هزار واحد و چهارمیلیون و ۵۰۰ هزار واحد داشته دهد که در محدوده چهارمیلیون و ۵۰۰ هزار واحد، مانند چهارمیلیون، مقاومت روانی قابل‌توجهی نیز وجود دارد. زمانی با اشاره به روند اصلاحات بازار سرمایه گفت: به نظر می‌رسد در برهه فعلی اصلاحات عددی جدی نخواهیم داشت و اگر هم اصلاحی رخ دهد، بیشتر از نوع اصلاح زمانی خواهد بود. یکی از دلایل این موضوع پیش‌بینی رشد نرخ دلار است که انتظارات برای پایان سال حتی به

بورس و بانک

دراقتصاد

دوشنبه ۲۲ دی ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۴۱

www.marzeghtesad.ir

▼ **سبقت طلایی‌ها از بورس**

بررسی روندهای قیمتی بازارهای دارایی طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که کفنه ترازو به طور معناداری به نفع بازار طلا و ابزارهای مبتنی بر آن سنگینی کرده است. یکی از شاخص‌ترین ناماگرها برای رصد این تغییر موازنه، نسبت شاخص صندوق‌های طلا به شاخص کل بورس تهران است؛ نسبتی که از ابتدای سال ۱۴۰۰ تاکنون مسیر صعودی کموفتقن‌ای را طی کرده و از حدود ۰.۰۶ درصد در آغاز سال ۱۴۰۰ به حدود ۰.۲۷ درصد در پایان معاملات روز گذشته رسیده است. افزایش بیش از چهار برابری این نسبت در بازه زمانی حدوداً چهار ساله، به روشنی حکایت از عملکرد به مراتب بهتر صندوق‌های طلا و در نگاهی کلی‌تر، بازار طلا و سکه در مقایسه با بازار سهام دارد. این واگرایی بازدهی را نمی‌توان صرفاً به ضعف ساختاری بازار سهام نسبت داد؛ بلکه بخش مهمی از آن ریشه در تقویت مداوم متغیرهای اثرگذار بر بازار طلا دارد.

قیمت طلا و سکه در بازار داخلی، به‌طور سنتی تحت‌تاثیر دو متغیر کلیدی قیمت دلار در بازار آزاد و بهای اونس طلا در بازار جهانی قرار دارد. بررسی عملکرد این دو متغیر در سنوات اخیر نشان می‌دهد که هر دو محرک، به‌صورت همزمان و مستمر در مسیر صعودی حرکت کردند؛ در همین مه‌جپتی، موتور رشد قیمت‌ها در بازار طلا و سکه را با توان بالاتری روشن نگه داشته است.

پیشنار داخلی بازار طلا

نگاهی به روند تغییرات نرخ دلار در بازار آزاد از سال ۱۴۰۰ به بعد، تصویر روشنی از فشارهای تورمی و انتظارات ارزی حاکم بر اقتصاد ایران ارائه می‌دهد. در سال ۱۴۰۰، قیمت دلار حدود ۱۰ درصد افزایش یافت، رشدی که در مقایسه با سال‌های بعد، ملایم تلقی می‌شود. اما این آرامش نسبی در سال ۱۴۰۱ جای خود را به جهش کهنشایفانه‌ای داد و دلار با رشد ۸۳ درصدی، یکی از پرنوسان‌ترین سال‌های خود را پشت سر گذاشت. در سال ۱۴۰۲ نیز اگرچه از شتاب رشد کاسته شد، اما همچنان افزایش ۲۶ درصدی قیمت دلار ثبت شد. این روند در سال ۱۴۰۳ بار دیگر شدت گرفت و دلار با رشد ۴۲ درصدی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به انتظارات تورمی ایفا کرد. در سال جاری نیز تا بدین جای کار، قیمت دلار حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است، رقمی که نشان می‌دهد متغیر ارزی همچنان یکی از اصلی‌ترین عوامل جهت‌دهنده به بازارهای دارایی است. این رشدهای متوالی و بعضاً جهشی نرخ ارز، به طور مستقیم در قیمت طلا و سکه داخلی منعکس شده است. در چنین فضایی، طلا نه تنها به عنوان یک دارایی سرمایه‌ای، بلکه به مثابه سپری در برابر کاهش ارزش پول ملی عمل کرده و توانسته است توجه بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌گذاران را به خود جلب کند.

باد موافق اونس جهانی

در کنار دلار بازار آزاد، بهای اونس طلا در بازار جهانی نیز نقش مکمل و در عین حال تعیین‌کننده‌ی در رشد بازار طلای داخلی ایفا کرده است. بررسی معاملات اونس طلا بر مبنای سال سشمی نشان می‌دهد که این فلز گرانبه‌ای در سال‌های اخیر عمدتا در مسیر صعودی حرکت کرده است. در سال ۱۴۰۰، قیمت اونس طلا حدود ۱۱ درصد افزایش یافت و در سال ۱۴۰۱ نیز رشد هرچند محدود ۳ درصدی را به ثبت رساند. حاصل نوسانات سال ۱۴۰۲، بازدهی ۹ درصدی برای اونس طلا بوده، رقمی که اگر چه چشم‌گیر نبود، اما همچنان برتری این دارایی نسبت به بسیاری از بازارهای دیگر را حفظ کرد. اما نقطه عطف اصلی در دو سال اخیر رقم خورد. در سال ۱۴۰۳، اونس طلا با جهش ۴۲ درصدی مواجه شد و در سال جاری نیز تا این مقطع، رشد ۴۸ درصدی را تجربه کرده است. چنین بازدهی‌هایی در بازار جهانی طلا، به ویژه در شرایطی که نااطمیناتی‌های ژئوپلیتییک، نگرانی از رکود اقتصاد جهانی و تغییر مسیر سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی مطرح بوده، جایگاه طلا را به‌عنوان دارایی امن بیش از پیش تقویت کرده است. اثر این تحولات، به‌صورت مستقیم به بازار داخلی منتقل شده و به شتاب‌گیری قیمت طلا و سکه در داخل کشور زده است.

هم‌افزایی دو محرک و شکل‌گیری شکاف بازدهی نکته کلیدی در تحلیل عملکرد بازار طلا طی این سال‌ها، همزمانی رشد دو محرک اصلی آن است. در شرایطی که هم نرخ دلار بازار آزاد و هم بهای اونس جهانی طلا در مسیر صعودی قرار دارند، قیمت طلا و سکه داخلی از یک حمایت دوگانه برخوردار می‌شود. این هم‌افزایی، موجب شده است که حتی در مقاطعی که یکی از این دو متغیر با وقفه یا اصلاح قیمتی مواجه بوده، عامل دیگری تا حد زیادی اثر آن را خنثی کند. در مقابل، بازار سهام ایران در همین بازه زمانی، با چالش‌های متعددی از جمله نااطمیناتی‌های سیاست‌گذاری، محدودیت‌های ساختاری، نوسانات نرخ بهره و افت اعتماد سرمایه‌گذاران مواجه بوده است. نتیجه این وضعیت، عقب‌ماندگی نسبی بورس از بازار طلا و شکل‌گیری شکاف قابل‌توجه در بازدهی رشد نسبت شاخص صندوق‌های طلا به شاخص کل بورس نمایان است.

پایدهما برای رفتار سرمایه‌گذاران
افزایش فاصله بازدهی میان طلا و سهام، پیامدهای مهمی –برای ترکیب سبب دارایی سرمایه‌گذاران داشته است. رشد پیوسته قیمت صندوق‌های طلا، به ویژه در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران خرد و حتی بخشی از سرمایه‌گذاران نهادی، ترجیح داده‌اند بخشی از منابع خود را از بازار سهام خارج کرده و به ابزارهای مبتنی بر طلا منتقل کنند. نقدشوندگی مناسب صندوق‌های طلا، شفافیت قیمتی و همسویی آنها با انتظارات تورمی، از جمله عواملی بوده که این جابه‌جایی را تسهیل کرده است.

▼ راحل «اجتماعی» ترافیک تهران

ترافیک تهران راحل زودبازدهی ندارد. شرایط روزبه‌روز بدتر می‌شود. همه با آن درگیرند و کسی کم‌ترین امید به بهبود آن ندارد. خودروها هجوم آورده به خیابان، راه‌ها بسته، شهروندان سرگردان و همه از این وضعیت خسته. تناقض‌های سختی هم در این بین بروز می‌کند دولت فکر می‌کند اگر بنزین را گران کند، تقاضای سفر با خودروی شخصی و تاکسی اینترنتی کم می‌شود، اما بنزین را گران می‌کند و ترافیک بدتر می‌شود. کارشناس می‌گوید: اگر می‌خواهید راحت‌تر در شهر تردد کنید، باید کمتر از خودروی شخصی استفاده کنید. شهروند اما به‌وضوح می‌پندد اگر می‌خواهد راحت‌تر برود و بیاید، دقیقاً باید از خودروی شخصی استفاده کند. انگار در یک بازی دوسر باخت گیر کرده‌ایم؛ مگر اینکه چیزی در کل معادله تغییر کند.

راحل «اجتماعی» ترافیک تهران

ما اولین شهر و کشوری نیستیم که درگیر ترافیک فراگیر گسترده و پیامدهای آن در حوزه آلودگی هوا و فرسودگی شهری شده‌ایم. تجربه اتلافوق و انرژی هم مختص ما نیست، اما اگر نگویم بدترین، دست‌کم یکی از بدترین نسبت‌ها را در زمینه استفاده مغرط همگانی از خودروی شخصی تجربه کرده‌یم و بدتر آنکه این تجربه به‌غایت مزمن و کشدار شده‌است. همان‌طور که استمرار تورم و تحریم در طول سالیان باعث‌شده که استخوان‌بندی اقتصاد پوک شود، استمرار ترافیک و ناکامی سیاست‌های مهار آن هم باعث‌شده که یکپاره حمل‌ونقل شهر و عادات آلوده‌شده شهروندان، با این بیماری سازگار شود. امید به بهبود وجود ندارد، کسی هم به‌دنبال درمان نیست. نتیجه این شده که حداقل ۵۰ سال است در نظرمنج‌ها، ترافیک که آلودگی هوا مهم‌ترین آلودیت‌های شهروندان تهرانی اعلام می‌شود، اما هیچ تلاشی نتوانسته است گشایشی ایجاد کند. نه طرح ترافیک، نه زوج و فرد کردن، نه افزایش هزینه پارک حاشیه‌ای، نه اتنواُن‌سازی‌ها و نه تبلیغات فرهنگی؛ هیچ‌یک نتوانسته‌اند وضعیت خودرومحور حاکم بر شهر و معیار آن را علاج کنند.این اعتراف تلخ اما ضروری است: خودروگرایی توانسته است طرح رویکرد‌های انسان‌محور را شکست دهد. سطح جامع حمل‌ونقل شهر تهران تجویز می‌کرد که در اقق ۱۴۰۴ سهم حمل‌ونقل عمومی به سه‌چهارم کل سفرها برسد و خودروی شخصی در سقف ۲۵درصد مهار شود، اما این نسبت هم‌اکنون از ۵۵درصد فراتر رفته‌است و با درنظرگرفتن سهم تاکسی‌های اینترنتی، این عدددر محدوده ۶۵ تا ۷۰درصد برآورد می‌شود. بدین‌سان نه فقط در هدف‌گذاری کاملاً برعکس عمل کرده‌ایم، بلکه همچنان در مسیر معکوس حرکت می‌کنیم: حجم خودروها مدام بیشتر می‌شود، ناوگان حمل‌ونقل عمومی مدام رو به کاهش و فرسایش است، شهرداری نتوانسته‌حتی میزان اندکی از وعده تجویز مترو به هزار واگن نوراف محقق کند، در عوض بودجه‌ها را خرج معیار و اتنواُن‌های جدید می‌کند و اتنوب‌خودروها حتی اعمال انقباض حداقلی راهنمایی و رانندگی را هم ناممکن ساخته‌است. بی‌پروایی اخیر خودروهای شخصی در ورود به مسیر ویژه اتنوبوس‌های بی‌آرتی نماد آشکار گسیختگی مدیریت شهری در حوزه ترافیک و شیوبر پیروزی و سیطره خودرومحور است. هجوم هرروزه خودروها از اطراف استان به شهر تهران کم که یک داستان جدی‌است.این وضعیت نتیجه یک روند حداقل ۱۰ ساله است. کار از آنجا گره خورد که تحریم‌ها امکان نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی را سلب کرد و زیرساخت‌ها تدریجاً فرسوده شدند و شرایط اقتصادی باعث شد که سرمایه‌گذاری در اقتصاد حمل‌ونقل افت کند. همزمان خودرو به دارای سرمایه‌ای تبدیل شد که کارکرد صرفی هم دارد و شهروند می‌دبند که ترجیح خودروی شخصی نه‌فقط توجیه رفاهی، بلکه صرفه اقتصادی هم دارد. سپس تاکسی‌های اینترنتی به‌عنوان یک راحل غیرنوتلی جبران ناتوانی مسوولان از پاسخ به افزایش تقاضای عمومی سفر را برعهده گرفتند. کرونا هم به‌واسطه نگرانی از شیوع باعث کمتر از نصف‌شدن استفاده از حمل‌ونقل عمومی شد. مجموعه اینها و عوامل دیگر دست‌بدهست هم دادند تا خودروها به مالک مطلق‌العنان معابر شهر بدل شوند و اتنوبوس و مترو پناهگاه‌ناگزیر شهروندان عمدتاً فرودستی باشند که از سر نچاری سوار آنها می‌شوند.

حال چه باید کرد؟ آسینشناسی روند طی‌شده نشان می‌دهد؛ مشکل اصلی در عدم‌توازن بین دو سمت عرضه و تقاضا است. در سمت عرضه، کالای باکیفیت و جذاب وجود ندارد. در سمت دیگر، کاهش تقاضا باعث‌شده که نهاد متولی عرضه کالای عمومی، تحت‌فشار اجتماعی برای توسعه ناتوان از مدیریت بازار، مجال و توان تنظیم‌گری را از دست داده‌است. رویکرد‌های تنبیهی، هزینه‌افزا و متمرکز بر ایجاد محدودیت و ممنوعیت در سیستم‌گذاری‌های ترافیکی از چرخاندن موازنه درجیحات به سمت حمل‌ونقل عمومی عاجز بوده‌اند. جرات و خلاقیتی برای چرخش به سمت سیستم‌های تشویقی هم وجود نداشته‌است. درنتیجه سیستم‌گذاری‌های در وضعیت بی‌تصمیمی و بی‌ثابتری، کار را رها کرده‌است. همچون بیماری که روی تخت افتاده باشد و به محرک‌های دارویی و غذایی جواب ندهد. ترافیک تهران نیازمند شوک است.اگر همین روند بی‌تصمیمی و ناتوانی مدیریت شهری از توقف روند فزاینده میل و عادت به استفاده از خودروی شخصی ادامه یابد، زندگی روزمره در شهر از این هم سخت‌تر خواهدشد و شاید بیمار به آستانه غرق‌بیل‌پازگشت برسد و درمان بی‌اثر شود. این شوک فقط در صورتی می‌تواند بر وضعیت ناگوار ترافیک تهران مؤثر باشد که نظم موجود و معیوب عرضه و تقاضا را بهمم برزد.



درآمدسازی از دریا به سبک ۵ کشور

۵ **پیتا حسن پور** – ایران با بر خورداری از بیش از ۵۸۰۰ کیلومتر نوار ساحلی و پهنه دریایی گسترده، ظرفیت قابل توجهی برای بهره‌مندی از مزایای اقتصاد دریامحور، به‌ویژه در حوزه گردشگری، دارد. این حوزه را توریسم علاوه بر آنکه می‌تواند صدها هزار شغل مستقیم و غیر مستقیم‌د داشته‌باشد.

توازن منطقی‌ای و کاهش محرومیت در استان‌های ساحلی را هم به همراه خواهد داشت. در همین راستا مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان اقدامات حمایتی کشورهای منتخب در حمایت از توسعه اقتصاد دریامحور(با تأکید بر گردشگری ساحلی و دریایی؛ موضوع بند «ج» ماده (۸۲) برنامه هفتم پیشرفت) به این مقوله پرداخته است. این گزارش با روش مطالعه تطبیقی، اقدامات پنج کشور موفق ترکیه، کره‌جنوبی، اسپانیا، مالزی و عمان را بررسی کرده تا راهبردهای عملی و قابل بومی‌سازی برای سیاست‌گذاران ایرانی ارائه دهد. این گزارش نشان می‌دهد مدیریت یکپارچه و حمایت از سرمایه‌گذاری دو بال توسعه این شیوه از توریسم هستند.

اقتصاد دریامحور شامل فعالیت‌هایی نظیر گردشگری ساحلی و دریایی، حمل‌ونقل دریایی، شیلات، انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی و صنایع مرتبط می‌شود. گردشگری ساحلی و دریایی به‌عنوان یکی از پاک‌ترین و پایدارترین شاخه‌های این اقتصاد، نقش کلیدی در ایجاد اشتغال، آرزآوری و توسعه مناطق محروم ساحلی دارد. در قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در بند «ج» ماده ۸۲ در تشکیل شورای استانی مدیریت یکپارچه گردشگری ساحلی و دریایی به ریاست وزیر کشور (با نماینده دارای شرایط شرعی)، تسهیل صدور مجوزها از طریق درگاه ملی، واگذاری عرصه ساحلی و پهنه دریایی بر اساس قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار تأکید شده است. به علاوه در مواد ۶۰ و ۶۱ نیز حمایت از اقتصاد دریامحور با همکاری وزارتخانه‌های داخلی، امور اقتصادی و دارایی، راه و شهرسازی و سازمان حفاظت محیط زیست مدنظر قرار گرفته است.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید می‌کند که موفقیت در این حوزه نیازمند ترکیبی از حمایت‌های دولتی مالی، زیرساختی، آموزشی، قانونی، نظارتی و هوشمندسازی و مشارکت فعال بخش خصوصی و تعاونی است و در همین زمینه رویه ۵ کشور موفق در این حوزه شرح داده شده است. معیارهای انتخاب پنج کشور مورد مطالعه در این گزارش بر اساس سه عامل است. اولین آنها شامل خط ساحلی فعال در گردشگری، داشتن سابقه طولانی و موفق در جذب گردشگر ساحلی و دریایی می‌شود.فرابت فرهنگی و سیاست‌های گردشگری با ایران اسلامی، توجه به ارزش‌های خانوادگی، گردشگری حلال، جداسازی جنسیتی در برخی امکانات (مانند سواحل خانوادگی) و حفاظت از هنجارهای اجتماعی دومین معیار است. برنامه‌ریزی موفق حفاظت ساحلی و سیاست‌های سبز، تعهد به پایداری محیطی و مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی هم سومین معیار می‌شود. در همین راستا کشورهای ترکیه، کره‌جنوبی، اسپانیا، مالزی و عمان انتخاب شدند که هر یک در برخی جنبه‌ها الگوی مناسبی برای ایران ارائه می‌دهند.

جهان برای توسعه گردشگری دریایی چه می‌کند؟

بررسی اقدامات پنج کشور در بخش دیگری از این گزارش مدنظر قرار گرفته است. اولین آنها ترکیه با ۷۲۰۰کیلومتر خط ساحلی است. در این کشور «سازمان توسعه گردشگری ترکیه» به‌عنوان نهاد مرکزی، اختیار تعیین و مدیریت مناطق ویژه توسعه گردشگری ساحلی را بر عهده دارد و با وضع مقررات اختصاصی، فرآیند سرمایه‌گذاری تسهیل می‌کند.

ترکیه همچنین مجموعه‌ای از ابزارهای مالی و سرمایه‌گذاری را به کار گرفته است. یکی از آنها تسهیلات بانکی کم‌بهره برای پروژه‌های گردشگری ساحلی و دریایی، به‌ویژه در مناطق کمتر گردشگری‌پذیر است. این وام‌ها تا ۷۰ درصد هزینه کل سرمایه‌گذاری را پوشش می‌دهند.مهلت تنفس بلندمدت (تا ۱۰ سال) برای پروژه‌های اولویت‌دار است. به علاوه معافیت‌های مالیاتی گسترده شامل معافیت پنج‌ساله از مالیات بر درآمد، معافیت مالیات بر ارزش افزوده و معافیت حقوق گمرکی برای تجهیزات و ملزومات سرمایه‌گذاری نیز در دستور کار این کشور قرار دارد. حمایت‌های مستقیم زیرساختی دولت از جمله تأمین و تعمیر شبکه فاضلاب توسط نهادهای محلی و واگذاری زمین برای پروژه‌های گردشگری نیز توسط دولت این کشور صورت می‌گیرد. در کنار این موارد، سازمان توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ترکیه، به‌طور ویژه از ورود تعاونی‌ها و بنگاه‌های کوچک به حوزه گردشگری ساحلی حمایت می‌کند. این حمایت‌ها شامل وام‌های سرمایه‌گذاری کم‌بهره، یارانه آموزش نیروی انسانی در حوزه‌هایی مانند بازاربازایی بین‌المللی، نوآوری و دیجیتال‌سازی، یارانه خرید تجهیزات گردشگری ساحلی و دریایی نظیر قایق، تجهیزات نغواشی و سامانه‌های ناوبری است. همچنین واگذاری بلندمدت زمین و اسکله به بخش خصوصی توسط ادارات گردشگری استانی، یکی دیگر از ابزارهای مهم جذب سرمایه است. شرایط اجاره و هزینه‌ها بر اساس ارزیابی کارشناسی و مذاکره مستقیم میان وزارت فرهنگ و گردشگری و سرمایه‌گذاران تعیین می‌شود که انعطاف‌پذیری بالایی برای تطبیق با توان مالی پروژه‌ها ایجاد می‌کند.

در نهایت، دولت ترکیه با اختصاص بودجه عمومی برای آموزش‌های تخصصی و کسب‌وکار در حوزه گردشگری ساحلی، هزینه‌های غیرمستقیم سرمایه‌گذاری را کاهش داده است. در برخی پروژه‌ها، دریافت مجوز فعالیت با بهره‌مندی از تسهیلات توسعه‌ای منوط به گذراندن این دوره‌های آموزشی است؛ اقدامی که هم کیفیت سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و هم ریسک شکست پروژه‌ها را کاهش می‌دهد.

کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کره‌جنوبی

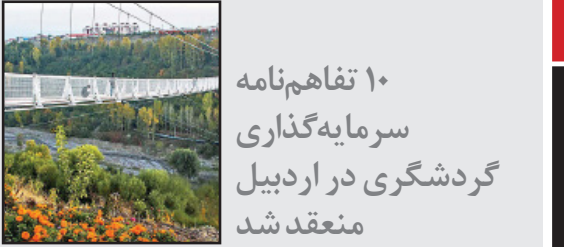
مدیریت کلان گردشگری ساحلی و دریایی در کره‌جنوبی با خط ساحلی ۲۴۰۰ کیلومتری بر عهده «کمیسون توسعه مناطق ساحلی» است که وظیفه هماهنگی میان بخش دولتی، خصوصی و تعاونی و تعیین اولویت‌های توسعه‌ای بر اساس ظرفیت‌های بوم‌شناختی و نیازهای اقتصادی مناطق ساحلی را بر عهده دارد.

در نظام مالی توسعه گردشگری ساحلی کره‌جنوبی، مشوق‌های اقتصادی و معافیت‌های مالیاتی جایگاه مهمی دارند. مهم‌ترین این مشوق‌ها شامل معافیت کامل از مالیات بر درآمد و مالیات شرکت‌ها در مراحل اولیه سرمایه‌گذاری در سه تا پنج سال نخست و کاهش تدریجی نرخ مالیات در سال‌های بعد، معافیت از عوارض گمرکی برای واردات تجهیزات و ملزومات پروژه‌های گردشگری ساحلی و دریایی و واگذاری زمین با اجاره‌بهای اندک و دوره‌های بلندمدت تا ۵۰ سال برای اجرای طرح‌های گردشگری می‌شود.

بر اساس این گزارش یکی دیگر از محورهای مهم سیاست‌های اقتصادی کره‌جنوبی، سرمایه‌گذاری دولتی در زیرساخت‌های هوشمند گردشگری است. اتصال مناطق ساحلی به اینترنت پرسرعت، توسعه سامانه‌های هوشمند مدیریت گردشگری، نصب حسگرهای پایش محیطی و مدیریت هوشمند پسماند، هزینه‌های عملیاتی بخش خصوصی را کاهش داده و بهره‌وری اقتصادی پروژه‌ها را افزایش داده است.

دولت کره‌جنوبی همچنین از طریق برنامه‌هایی مانند طرح تحول دیجیتال گردشگری و برنامه‌های تعاونی محور، حمایت مالی مستقیم از مشاغل کوچک و تعاونی‌های محلی به عمل می‌آورد. این حمایت‌ها امکان ایجاد زیرساخت‌های دیجیتال مانند وب‌سایت، سامانه‌های رزرو آنلاین، فروشگاه‌های اینترنتی و کمپین‌های بازاریابی دیجیتال را فراهم کرده‌اند. آموزش‌های رایگان در حوزه بازاریابی دیجیتال، مدیریت کسب‌وکار و برندینگ محلی، علاوه بر ارتقای توان اقتصادی فعالان محلی، در بسیاری موارد شرط دریافت وام با مشارکت در مناقصات داخلی محسوب می‌شود.

افزایش بهره‌وری به جای ساخت‌وساز در اسپانیا



۱۰ تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری گردشگری در اردبیل منعقد شد

اسپانیا توسعه این بخش را بر پایه سرمایه‌گذاری هدفمند دولتی، مشارکت بخش خصوصی و نوسازی زیرساخت‌های موجود قرار داده است. راهبرد اصلی این کشور، افزایش بهره‌وری اقتصادی سواحل ۸۰۰۰کیلومتری این کشور بدون گسترش بی‌رویه ساخت‌وساز جدید است.در این چارچوب، سیاستگذاری کلان ملی توسط وزارت انتقال محیط‌زیستی، وزارت صنایع، تجارت و گردشگری و نهاد ملی گردشگری انجام می‌شود و دولت‌های محلی مسوول صدور مجوزهای ساخت‌وساز و بهره‌براری هستند.

این تقسیم وظایف، با کاهش بوروکراسی و تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری، فضای نسبتاً باثباتی برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده است. مهم‌ترین ابزارهای مالی و سرمایه‌گذاری اسپانیا در حوزه گردشگری ساحلی و دریایی شامل چند مورد می‌شود. اولین آنها اعتبارات مستقیم دولتی برای نوسازی زیرساخت‌ها است. در قالب «طرح ملی گردشگری ساحلی»، حدود ۱۱۰میلیون یورو برای بازسازی سواحل قدیمی و ارتقای زیرساخت‌های گردشگری اختصاص یافته است. تخصیص بودجه به توسعه پایدار گردشگری دیگر ابزار مالی اسپانیا است. تنها در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۷۸میلیون یورو به پروژه‌های پایدار گردشگری در استان‌های ساحلی اختصاص داده شده است.

در کنار این حمایت‌ها، وام‌های ترجیحی صندوق نوسازی زیرساخت‌های گردشگری برای شهرداری‌ها و نهادهای محلی در نظر گرفته شده است. این وام‌ها معمولاً دارای دوره بازپرداخت ۱۰ ساله هستند. از دیگر مشوق‌های مهم سرمایه‌گذاری در اسپانیا می‌توان به مواردی نظیر واگذاری زمین یا اسکله برای پروژه‌های گردشگری ساحلی با دوره‌های بلندمدت ۳۰ تا ۳۵ ساله، معافیت‌های مالیاتی شامل معافیت یا تخفیف در مالیات بر درآمد، مالیات دارایی و مالیات انتقال املاک برای سرمایه‌گذاران فعال در گردشگری ساحلی و دریایی اشاره کرد. در حوزه سرمایه‌گذاری غیرمستقیم، دولت اسپانیا با اجرای برنامه‌هایی مانند طرح اشتغال سبز، هزینه‌های جانبی سرمایه‌گذاری را کاهش داده است. آموزش‌های تخصصی در حوزه‌هایی مانند مدیریت پسماند ساحلی، طبیعت‌گردی دریایی و رفتار مسوولانه گردشگران، غالباً با حمایت مالی دولت انجام می‌شود و داشتن گواهی این دوره‌ها امتیاز مهمی برای دریافت وام و حمایت‌های مالی محسوب می‌شود.

مالزی و توانمندسازی جوامع محلی ساحلی

تمرکز اصلی مالزی بر جذب سرمایه‌گذاری خصوصی از طریق مشوق‌های مالیاتی، تسهیل مقررات و کاهش هزینه‌های ورود به بازار با چهار هزار و ۶۷۵ کیلومتر خط ساحلی است. در چارچوب «مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی»، دولت مالزی تلاش کرده است میان توسعه اقتصادی و حفاظت محیط‌زیست توازن برقرار کند؛ اما از منظر سرمایه‌گذاری، این رویکرد بیش از هر چیز به ایجاد ثبات مقرراتی و کاهش ریسک پروژه‌ها منجر شده است.

بر اساس این گزارش مهم‌ترین ابزارهای مالی و سسرمایه‌گذاری مالزی در حوزه گردشگری ساحلی و دریایی شامل معافیت‌های مالیاتی بلندمدت (۵ تا ۱۰ ساله) برای سرمایه‌گذاری در ساخت مراکز اقامتی ساحلی، پارک‌های دریایی و اسکله‌های تفریحی هستند. به علاوه در این کشور شاهد بسته‌های تشویقی مالیاتی هدفمند برای پروژه‌های گردشگری دریایی، به‌ویژه در قالب طرح‌های مشارکت عمومی- خصوصی (PPP) و تعاونی‌ها در کنار حمایت مالی و پشتیبانی دولتی از طرح‌های مشارکتی که موجب کاهش سهم سرمایه‌گذاری اولیه بخش خصوصی می‌شود، هستیم.

در کنار مشوق‌های مالی، مالزی اصلاحات نهادی مهمی برای تسهیل فرآیند سرمایه‌گذاری انجام داده است. ساده‌سازی صدور مجوز فعالیت‌های گردشگری دریایی، ایجاد «بچره واحد» برای صدور مجوزها، مشاوره به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و ارائه راهنمایی‌های مالی و حقوقی، از جمله اقدامات کلیدی در کاهش زمان و هزینه‌های اداری سرمایه‌گذاری در این کشور به شمار می‌رود.

دولت مالزی همچنین با سرمایه‌گذاری عمومی در آموزش و توانمندسازی جوامع محلی ساحلی، هزینه‌های غیرمستقیم پروژه‌های گردشگری را کاهش داده است. این آموزش‌ها اگرچه شرط الزام‌ور برای دریافت مجوز سرمایه‌گذاری نیستند، اما با افزایش آگاهی سرمایه‌گذاران و فعالان محلی نسبت به فرآیندهای اداری و استفاده از درگاه‌های الکترونیکی، نرخ خطا، تاخیر و ریسک اجرایی پروژه‌ها کاهش یافته است.

عمان و صدور مجوز در ۵ روز

عمان توسعه گردشگری ساحلی و دریایی را به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی تنوع‌بخشی اقتصادی خود دنبال کرده است. این رویکرد به‌طور مشخص در سند راهبردی چشم‌انداز ۲۰۴۰ عمان بازتاب یافته و بر توسعه زیرساخت‌های اقامتی، خدماتی و تفریحی سواحل و بنادر با هدف بهره‌برداری اقتصادی پایدار تأکید دارد. مدیریت و راهبری سرمایه‌گذاری در گردشگری ساحلی و دریایی ۹۲ هزار و ۹۲ کیلومتری این کشور عمدتاً تحت هدایت وزارت میراث و گردشگری انجام می‌شود. این تمرکز نهادی، با کاهش تداخل وظایف و تسریع فرآیند صدور مجوز، به کاهش عدم‌قطعیت و ریسک نهادی سرمایه‌گذاری منجر شده است.

مهم‌ترین ابزارهای مالی و سرمایه‌گذاری عمان در حوزه گردشگری ساحلی و دریایی شامل معافیت‌های مالیاتی ۵ تا ۱۰ ساله برای کسب‌وکارهای گردشگری ساحلی و دریایی، واگذاری زمین با قیمت ترجیحی در مناطق ساحلی کمتر توسعه‌یافته به‌منظور کاهش هزینه اولیه سرمایه‌گذاری، معافیت از تعرفه واردات تجهیزات، ماشین‌آلات و مواد اولیه موردنیاز پروژه‌های گردشگری ساحلی و دریایی و تخصیص زمین در چارچوب مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای اجرای پروژه‌های گردشگری، با برخورداری از مزایای حقوقی و مالی خاص این مناطق می‌شود.

در کنار این مشوق‌ها، عمان به‌طور گسترده از الگوی مشارکت عمومی- خصوصی در اجرای پروژه‌های گردشگری دریایی و ساحلی استفاده می‌کند. این الگو، امکان ورود سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را با کاهش سهم سرمایه‌گذاری مستقیم دولت و انتقال بخشی از ریسک به بخش خصوصی فراهم کرده است.

از منظر تسهیل مقرراتی، فرآیند اخذ مجوزهای سرمایه‌گذاری به‌طور چشم‌گیری ساده‌سازی شده است. ایجاد بسترهای خف، حذف یا کاهش مراحل اداری و صدور مجوز نهایی در بازه ۵ تا ۲۰ روزه، هزینه‌های زمانی و مالی سرمایه‌گذاران را به حداقل رسانده و مزیت رقابتی مهمی برای عمان ایجاد کرده است. در حوزه سرمایه‌گذاری غیرمستقیم، دولت عمان با توسعه زیرساخت‌های هوشمند گردشگری ساحلی و دریایی، هزینه‌های عملیاتی پروژه‌ها را کاهش داده است. همچنین دولت عمان آموزش‌های عمدتاً رایگان برای فعالان محلی و سرمایه‌گذاران گردشگری ساحلی و دریایی ارائه می‌دهد. اگرچه شرکت در این دوره‌ها برای همه پروژه‌ها الزامی نیست، اما در برخی طرح‌ها ارائه گواهی آموزشی شرط دریافت مجوز با تخصیص اعتبارات مالی محسوب می‌شود و به‌عنوان ابزار غربال‌گری کیفی پروژه‌ها عمل می‌کند.

۶ راهکار برای رونق گردشگری دریایی

بررسی مقاصد منتخب نشان می‌دهد که توسعه گردشگری ساحلی و دریایی نتیجه به‌کارگیری یک رویکرد مدیریتی ترکیبی و زنجیروار است که شامل شش راهبرد اصلی می‌شود؛ حمایت مالی، توسعه زیرساخت، اقدامات قانونی و نظارتی، آموزش و ترویج، و هوشمندسازی خدمات. حمایت‌های مالی شامل ارائه وام کم‌بهره و مشروط به مناطق کمتر توسعه‌یافته کام‌گردشگری‌پذیر، اعطای معافیت‌های مالیاتی پلکانی و کاهشی شامل مالیات بر درآمد، ارزش افزوده، حقوق گمرکی، دری و انتقال املاک، شرط‌گذاری مشقوق‌ها بر شرکت در دوره‌های آموزشی، رعایت آموزشی پایداری محیطی، کاهش مصرف انرژی، مدیریت ترافیک و بهبود دسترسی به مقاصد و اولویت‌دهی به پروژه‌های ساماندهی ترافیک و توسعه مناطق کم‌گردشگرپذیر با مهلت تنفس بلندمدت می‌شود.

حمایت‌های آموزشی و ترویجی نیز مواردی نظیر ارائه مشاوره کسب‌وکار و آموزش تخصصی به سرمایه‌گذاران و جوامع محلی برای توسعه اشتغال بومی و بازاریابی مقاصد، آموزش و جذب نیروی محلی در قالب همیاران سلامت ساحل و دریا و فعال‌سازی سامانه‌های مردمی گزارش تخلفات و الزام دریافت پروانه یا حمایت مالی به گذراندن دوره‌های آموزشی تخصصی و دریافت استانداردهای گردشگری سبز را دربرمی‌گیرد.

ساخت و تعمیر زیرساخت‌های پایه و تخصیص بلندمدت زمین و اسکله با تعرفه‌های کارشناسی‌شده برای تسهیل ورود سرمایه‌گذاران جزو حمایت‌های زیرساختی هستند. مدیریت یکپارچه شامل پیشنهاد تشکیل شورای استانی تحت ریاست وزیر کشور یا نمایندگان واجد شرایط برای ایجاد مدیریت یکپارچه سواحل و ضرورت نظارت کمیسیون فرهنگی مجلس بر اجرای این شورها با توجه به کمبود گزارش‌های عملکردی می‌شود.

توسعه پایدار با اقتصاد دریامحور

بر اساس این گزارش تجربه پنج کشور موفق نشان می‌دهد که توسعه اقتصاد دریامحور و گردشگری ساحلی و دریایی نیازمند رویکردی چندبعدی، بلندمدت و هماهنگ بین دستکته‌های اجرایی است. ایران با داشتن ظرفیت عظیم ساحلی، جزایر متعدد و موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد، می‌تواند با بومی‌سازی این تجربیات به‌ویژه توجه به ارزش‌های اسلامی، توسعه مناطق محروم، آموزش گسترده و هوشمندسازی به یکی از مقاصد برتر گردشگری دریایی منطقه و جهان تبدیل شود. نگران‌دگان این گزارش تأکید دارند که اجرای همزمان و زنجیره‌ای پیشنهاد‌های فوق می‌تواند ضمن ایجاد صدها هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم، آرزآوری قابل‌توجهی نصیب کشور و به توازن منطقه‌ای و کاهش محرومیت در استان‌های ساحلی کمک شایانی کند.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اردبیل از امضای ۱۰ تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری به ارزش ۲۰۰ هزارمیلیارد ریال در حوزه گردشگری خبر داد و گفت: این از نتایج همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری است و نقطه عطفی در توسعه زیرساخت‌های گردشگرپذیر استان خواهد بود. به گزارش ایرنا، جلیل جباری اظهار کرد: استانداری اردبیل و وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی از سرمایه‌گذاری گردشگری در استان اردبیل با جدیت استقبال و حمایت می‌کنند و اجرای تفاهم‌نامه‌های منعقد به‌طور جدی در دستور کار قرار دارد. وی با اشاره به اهمیت تفاهم‌نامه‌ها افزود: این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند زمینه‌ساز رونق گردشگری، ایجاد اشتغال و توسعه پایدار در استان باشد و در استمرار رویدادهای خطیری همچون همایش سرمایه‌گذاری، آمادگی میزبانی رویدادهای بین‌المللی دیگر را داریم.

وی اضافه کرد: استان اردبیل سابقه برگزاری موفق رویدادهای مهم گردشگری را دارد و همین تجربه باعث شده آمادگی خود را برای میزبانی نشست‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی اعلام کنیم، پیش‌تر آمادگی خود را برای برگزاری دومین نشست راه ابریشم کشورهای عضو اگو اعلام کردیم و در صورت موافقت ششمین جشنواره غذای کشورهای اگو نیز همزمان در اردبیل برگزار خواهد شد.

چرا اقتصاد به مدل‌ها گوش نمی‌دهد؟

اونگ همچنین خاطر‌نشان می‌کند که در صورت عدم تلاقی تجاری از سوی دیگر کشورها، تعرفه‌ها می‌توانند حتی زمینه‌ساز بهبود رفاه اقتصادی شوند و در کنار محرک‌های مالی و پولی، به رونق دوره‌ای در سال‌های آینده بینجامند. در پایان، بحث به تأثیرات دوگانه هوش مصنوعی (افزایش بهره‌وری و اختلال در اشتغال) و ضرورت توجه همزمان به بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت در تحلیل اقتصادی ختم می‌شود.

آنا وونگ (Anna Wong) اقتصاددان ارشد ایالات متحده در بخش اقتصادی بلومبرگ (Bloomberg Economics) است. او پیش از این به عنوان اقتصاددان ارشد در فدرال‌رزرو، در شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید در دوران دولت اول ترامپ و معاون مدیر دفتر تحلیل اقتصادی بین‌الملل در خزانه‌داری آمریکا در دوران دولت اوباما کار کرده است. او دکتری اقتصاد خود را از دانشگاه شیکاگو دریافت کرده است. این بخش

از مصاحبه او در یادکست امریکن کامپس (American Compass) برای خوانش بهتر ویرایش شده است.

اورن کس: می‌توان گفت شما همه جا بوده‌اید و همه مسائل را به چشم دیده‌اید؛ هم در دولت‌های اوباما و ترامپ و هم در فدرال‌رزرو و موسسه پیترسون، جایی که به طور کلی به عنوان یک متعهد قوی به تجارت آزاد شناخته می‌شود. بنابراین برای من مایه کنجکاوی است که نظر شما در مورد فاصله بین مسائل و نگرانی‌های واقعی اقتصاددانان و آنچه هنگام بررسی نظام‌های تجاری در تئوری‌ها بر آن تمرکز می‌کنند، چیست؟ آیا متصفانه است که

بگوییم در این بین شکافی وجود دارد؟آنا وونگ: گفتن جریان اصلی اقتصاد به طور جدی در طول ۲۰ سال گذشته مدیریت کرده است. ۲۰ سال پیش در موسسه پیترسون، افرادی که

در آنجا مشغول بودند، از نسل قدیم‌تر بودند.

چالش‌های تدوین نقشه پایدار برای تجارت ایران

تجارت خارجی در معنای کلان خود صرفا نتیجه تصمیم‌های مقطعی یا اراده بازیگران منفرد نیست، بلکه محصول یک بستر نهادی، ساختاری و تاریخی است که در آن امکان طراحی، پیش‌بینی و تداوم سیاست‌ها فراهم می‌شود. در چنین نگاهی پرسش اصلی این نیست که چرا ایران نقشه تجاری ندارد؛ بلکه این است که چه شرایطی حاکم شده که در آن نقشه‌داشتن عملا ناممکن است. این تمایز مفهومی ما را از دآوری‌های شخصی و نهادی دور و به سطح تحلیل اقتصاد سیاسی کلان نزدیک می‌کند.

چالش‌های تدوین نقشه پایدار برای تجارت ایران

در ادبیات اقتصاد بین‌الملل، ترسیم نقشه تجاری مستلزم ثبات نسبی در سه حوزه است: افق تولید، افق نهادی و افق تعاملات خارجی. نقشه زمانی معنا دارد که بتوان درباره مسیر آینده تصمیم گرفت و از تداوم آن اطمینان نسبی داشت. در شرایطی که کوتاه‌مدت فروکاسته می‌شود. مساله ایران دقیقا در همین نقطه قرار دارد؛ نه به‌دلیل فقدان ظرفیت، بلکه به‌واسطه سیال بودن مداوم محیط تصمیم‌گیری.

استقرار ایران از منظر ساختار تولید، متکی بر انرژی، صنایع بالادستی و تولیدات میان‌پایه است؛ ساختاری که ذاتا به افق‌های بلندمدت، سرمایه‌گذاری پایدار و بازارهای قابل پیش‌بینی نیاز دارد. با این حال زمانی که متغیرهای کلان اقتصادی از نرخ ارز گرفته تا سیاست‌های تجاری در بازه‌های کوتاه تغییر می‌کنند، امکان همراستاسازی تولید با بازارهای هدف از بین می‌رود. در چنین فضای، نه بنگاه می‌تواند استراتژی صادراتی تعریف کند و نه سیاستگذار قادر است مسیر مشخصی را تثبیت کند. بنابراین فقدان نقشه تجاری بیش از آنکه ناشی از تصمیم‌نگرفتن باشد، حاصل ناپایداری افق تصمیم‌گیری است.

در سطح نهادی نیز نقشه‌داشتن مستلزم پیش‌بینی‌پذیری است. اما زمانی که قواعد تجارت خارجی، نظام ارزی، سازوکارهای تأمین مالی و حتی اولویت‌های سیاست خارجی به‌طور مستمر در حال تغییر هستند، تجارت در وضعیت «شناور» قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی کنشگران اقتصادی یاد می‌گیرند به‌جای برنامه‌ریزی خود را با شرایط تطبیق دهند. این تطبیق‌پذیری، اگر چه در کوتاه‌مدت بقا را ممکن می‌کند، اما در بلندمدت امکان طراحی نقشه را از بین می‌برد. نقشه نیازمند ایستایی نسبی است؛ درحالی‌که محیط تجارت ایران نسبتا سیال است.

از منظر تعاملات خارجی نیز نقشه تجاری زمانی شکل می‌گیرد که کشور بتواند جایگاه خود را در نظام اقتصاد جهانی تعریف کند. این جایگاه نه صرفا سیاسی است و نه صرفا اقتصادی، بلکه ترکیبی از هر دو است. در شرایطی که روابط خارجی تحت تاثیر عدمقطعیت‌های مداوم قرار دارد، تفکیک بازارها و تعریف نقش پایدار در شرق یا غرب دشوار می‌شود. نه غرب به‌عنوان بازاری قاعده‌محور، امکان اتکای بلندمدت می‌یابد و نه شرق به‌عنوان بازاری مقیاس‌محور، افق قابل پیش‌بینی ارائه می‌دهد. در نتیجه، تجارت در وضعیتی معلق باقی می‌ماند که در آن، نقشه‌داشتن به‌لحاظ عملیاتی معنا پیدا نمی‌کند.

ویژگی غالب این وضعیت، «واکنشی‌شدن عقلانیت تجاری» است. در چنین بستری، سیاست‌ها نه برای رسیدن به مقصدی مشخص، بلکه برای مدیریت شرایط جاری اتخاذ می‌شوند. هر شوک بیرونی یا درونی، مسیر تجارت را اندکی جابه‌جا می‌کند، بی‌آنکه این جابه‌جایی‌ها در چارچوب یک مسیر از پیش طراحی‌شده معنا یابند. این وضعیت، نه نشانه فقدان آگاهی، بلکه پیامد منطقی زیستن در محیطی با عدمقطعیت ساختاری است.

در ادامه باید تأکید کرد از منظر ژئواکونومیک نیز هرچند ایران در موقعیتی ممتاز قرار دارد، اما بهره‌برداری از این موقعیت مستلزم پیوند آن با استراتژی تجاری بلندمدت است. در شرایطی که اولویت‌ها، قواعد و مسیرها دائما در حال بازتعریف هستند، مزیت جغرافیایی به‌جای آنکه به راهبرد تبدیل شود، به ظرفیت بالقوه‌ای معلق بدل می‌شود. بنابراین، «معطل‌ماندن ژئواکونومیک» بیش از آنکه ناشی از غفلت باشد، حاصل نبود بستر لازم برای تبدیل مزیت به نقشه است. به‌عبارتی نمی‌توان از نداشتن گذشته تجارت سخن گفت، بی‌آنکه به شرایطی پرداخته که امکان نقشه‌داشتن را محدود کرده‌اند. مساله اصلی تجارت ایران، نه فقدان اراده نه خطای فردی و نه کمبود ظرفیت است؛ بلکه حاکم‌بودن وضعیتی است که در آن ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و افق بلندمدت به حداقل رسیده‌اند. تا زمانی که این شرایط کلان تغییر نکند، نقشه تجاری نه طراحی‌ناپذیر، بلکه بی‌معنا خواهد بود. در چنین بستری، نخستین گام نه ترسیم نقشه، بلکه فراهم‌کردن شرایطی است که نقشه‌داشتن را ممکن کند.



پرواز قیمت «رَم» در بازار

عروشیا حسن پور -همپای بازار لپ‌تاپ، لوازم جانبی آن نیز در در کودی عمیق و فرسایشی گیر کرده است. ویت‌رین‌های فروشگاه‌ها پر از مدل‌های جدید است، اما مشتری‌ها به خرید روی نمی‌آورند.

عبور دلار از مرز ۱۳۰ هزار تومان، افزایش جهانی قیمت قطعات و کمبود تراشه‌های حافظه قدرت خریداران را کاهش داده و باعث شده است فروشندگان با احتیاط موجودی خود را مدیریت کنند. به گفته کارشناسان، این فشار قیمتی نه تنها بازار لپ‌تاپ، بلکه احتمالا بازار موبایل و سایر لوازم الکترونیکی را نیز تحت‌تاثیر قرار خواهد داد.

فاز جدید رکود

بازار لپ‌تاپ این روزها بیش از آنکه محل معامله باشد به فضای برای مقایسه قیمت‌ها و عقب‌نشینی خریداران تبدیل شده است. ویت‌رین‌ها پر است از مدل‌های متنوع، اما رفت و آمد مشتری‌ها به خرید ختم نمی‌شود. فروشنده‌ها می‌گویند از زمانی که دلار از مرز ۱۰۰ هزار تومان عبور کرده است بازار وارد فاز تازه‌ای از رکود شده. رکودی که این‌بار نه مقطعی، بلکه عمیق و فرسایشی به نظر می‌رسد.

به گفته فعالان بازار قیمت لپ‌تاپ‌ها نسبت به ماه گذشته به‌طور میانگین



پرواز قیمت «رَم» در بازار

حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. این افزایش ناگهانی قدرت خرید بخش بزرگی از مشتری‌ها را کاهش داده و تصمیم خرید را به تعویق انداخته است. یکی از فروشندگان قدیمی بازار می‌گوید: «قبلا مشتری با بودجه مشخص وارد مغازه می‌شد و دنبال بهترین گزینه می‌گشت؛ حالا همان بودجه حتی به مدل‌های اقتصادی هم نمی‌رسد.» به‌نظر می‌رسد عبور دلار از کانال ۱۰۰ هزار تومان نه‌تنها قیمت‌ها را بالا برده، بلکه مرز روانی تازه‌ای برای خریداران ایجاد کرده است.

در این بین اما فروشندگان تأکید می‌کنند که همه ماجرا به نرخ ارز ختم نمی‌شود. در ماه‌های اخیر بازار جهانی قطعات الکترونیکی نیز دستخوش تغییرات قابل‌توجهی شده است. تغییری که اثر آن با کمی تأخیر به بازار داخلی رسیده است. افزایش شدید قیمت حافظه‌های ذخیره‌سازی و هارد دیسک از عوامل اصلی بالا رفتن قیمت نهایی لپ‌تاپ‌هاست. به گفته فعالان این صنف قیمت برخی از انواع کارت‌های حافظه در دو تا سه ماه گذشته بیش از ۱۰۰ درصد رشد داشته؛ جهشی که حتی واردکنندگان و فروشندگان

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ در شرایطی تدوین شده که دولت میان دو راه دشوار گرفتار است؛ از یک سو باید کسری مزمن بودجه را مهار کند و از سوی دیگر نمی‌تواند از تبعات اجتماعی تصمیمات سخت فرار کند. بودجه ۱۴۰۵ با رشد اسمی تنها ۲درصد، ظاهری اقباضی دارد و درعین‌حال با مجموعه‌ای از تغییرات عمیق ارزی و قیمتی همراه است؛ تغییراتی که می‌توانند نظم نسبی قیمت‌های داخلی را برای ماه‌ها به چالش بکشند.

برای نخستین بار، این بودجه با تومان جدید (حذف چهار صفر) نوشته شده؛ اقدامی که گرچه بیشتر جنبه روانی و محاسباتی دارد، اما نشان‌دهنده تمایل سیاستگذار به قابل‌فهم‌تر کردن ابعاد بحران و پذیرش ضمنی شکست سیاست‌های تثبیتی گذشته است. در این لایحه، نرخ ارز گرم‌تر به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته، ارز ترجیحی حذف شده و دولت تلاش کرده به جای پاره ارز بی‌نehan، پاره نقدی و کالابرگی آشکار توزیع کند. بودجه ۱۴۰۵ بیش از آنکه یک نقشه توسعه باشد، یک سند مدیریت بحران است؛ دولت می‌کوشد دفاتر مالی را تراز نگه دارد، حتی اگر این تراز بیشتر حسابداری باشد تا اقتصادی. انکا به درآمدهای نفتی در فضایی که تحریم، تنش‌های بین‌المللی و محدودیت‌های فروش نفت همچنان پابرجاست، بودجه را در معرض عدم تحقق منابع قرار می‌دهد و وقتی منابع محقق نشوند، مقصد تکراری دولت‌ها روشن است؛ سیستم بانکی، استقراض و خلق نقدینگی. در نهایت، بودجه ۱۴۰۵ سه واقعیت را بی‌پرده بازتاب می‌دهد.

بودجه زیر ذره‌بین

پکن که نگران است هوش مصنوعی بتواند حاکمیت حزب کمونیست را تهدید کند، اقدامات فوق‌العاده‌ای برای کنترل آن در پیش گرفته است. با آنکه دولت چین هوش مصنوعی را برای آینده اقتصادی و نظامی کشور حیاتی می‌داند، مقررات سخت‌گیرانه و پاک‌سازی‌های اخیر محتوای آنلاین نشان می‌دهد که هم‌زمان از این بین دارد که هوش مصنوعی موجب بی‌ثباتی اجتماعی شود.

بر اساس گزارش روزنامه وال‌استریت، مقامات چین صدها هزار مورد محتوای غیرقانونی یا مضر را حذف کرده و هوش مصنوعی را به‌عنوان تهدیدب بالقوه در طرح ملی واکنش اضطراری طبقه‌بندی کرده‌اند. این رویکرد، اگرچه باعث کاهش خشونت و محتوای نامناسب در مدل‌های چینی می‌شود، اما کاربران هنوز می‌توانند با ترفندهایی محدودیت‌ها را دور بزنند. هم‌زمان، چین تلاش می‌کند بین کنترل محتوا و حفظ رقابت جهانی در هوش مصنوعی تعادل برقرار کند.

چت‌بات‌ها زیر ذره‌بین

در ماه نوامبر، پکن قوانینی را که پیش‌تر با همکاری شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی روی آنها کار کرده بود، رسمی کرد. طبق این قوانین، چت‌بات‌ها باید با داده‌های آموزش ببینند که از نظر سیاسی پالایش شده‌اند و پیش از عرضه عمومی، یک آزمون ایدنئولوژیک را پشت‌سر بگذارند. تمام متون، ویدئوها و تصاویر تولیدشده توسط هوش مصنوعی باید به‌طور صریح برچسب‌گذاری و قابل ردیابی باشند تا شناسایی و مجازات افرادی که محتوای نامطلوب منتشر می‌کنند، آسان‌تر شود.

مقامات هم اخیرا اعلام کردند که طی یک کارزار سه‌ماهه اجرای قانون، ۹۶۰ هزار مورد از آنچه «محتوای غیرقانونی یا مضر تولیدشده با هوش مصنوعی» می‌دانستند را حذف کرده‌اند. هم‌زمان با پیشرفت‌تر شدن مدل‌های هوش مصنوعی، مقامات چینی این فناوری را به‌عنوان یک تهدید بالقوه جدی طبقه‌بندی کرده و آن را در کنار زلزله‌ها و همه‌گیری‌ها به «طرح ملی واکنش اضطراری» افزودند.

پژوهشگرانی خارج از چین که هم مدل‌های چینی و هم مدل‌های آمریکایی را بررسی کرده‌اند، می‌گویند رویکرد نظارتی چین مزایایی دارد. به گفته آن‌ها، چت‌بات‌های چینی بر اساس برخی معیارها ایمن‌تر هستند؛ خشونت و محتوای مستهجن کمتری تولید می‌کنند

را هم غافلگیر کرده است.

این افزایش جهانی هزینه تمام شده تولید و مونتاژ لپ‌تاپ را بالا برده و در نهایت به مصرف‌کننده منتقل شده است. یکی از فروشنده‌ها توضیح می‌دهد: «لپ‌تاپی که سه ماه پیش با یک مشخصات فنی خاصی قیمت مشخصی داشت، امروز فقط به‌خاطر تغییر قیمت حافظه و رم چند ۱۰میلیون تومان گران‌تر شده است.» به این ترتیب حتی مدل‌هایی که تغییر خاصی در نسل پرزادنده یا طراحی نداشته‌اند با برچسب‌های قیمتی جدید وارد بازار می‌شوند.

در چنین شرایطی رفتار خریداران نیز تغییر کرده است. بسیاری از مشتری‌ها خرید را به تعویق انداخته‌اند و امیدوارند با ثبات نسبی بازار ارز یا کاهش قیمت جهانی قطعات قیمت‌ها تعدیل شود. در مقابل برخی فروشندگان نیز برای جلوگیری از زیان حجم سفارش‌های جدید خود را کاهش داده‌اند و با احتیاط بیشتری موجودی انبار را مدیریت می‌کنند.

مجموع این عوامل بازار لپ‌تاپ را در وضعیتی میان انتظار و بلاتکلیفی قرار داده است؛ بازاری که نه نشانه‌ای از رونق کوتاه‌مدت در آن دیده می‌شود و نه چشم‌انداز روشنی برای کاهش قیمت‌ها وجود دارد. تا زمانی که نرخ ارز در سطوح بالا باقی بماند و بازار جهانی قطعات به ثبات نرسد به نظر می‌رسد لپ‌تاپ همچنان کالایی دور از دسترس برای بخش قابل‌توجهی از مصرف‌کنندگان باقی خواهد ماند. البته باید یادآور شد که افزایش قیمت جهانی کارت‌های حافظه تنها به بازار لپ‌تاپ محدود نمی‌شود و می‌تواند به بازار موبایل نیز سرایت کند. بخش قابل‌توجهی از گوشی‌های هوشمند به‌ویژه مدل‌های میان‌رده و پرچم‌دار به حافظه‌های ذخیره‌سازی وارداتی وابسته‌اند و رشد قیمت این قطعات مستقیم هزینه تمام‌شده موبایل را بالا می‌برد. به گفته فعالان بازار در صورت تداوم این روند فشار قیمتی ناشی از گرانی حافظه می‌تواند در ماه‌های آینده به افزایش قیمت گوشی‌های موبایل نیز منجر شود.

رقابت بر سر تراشه‌های حافظه

اما دلایل افزایش جهانی قیمت کارت حافظه طی ماه‌های اخیر چه بوده است؟ روتنرز در این باره نوشته است که کمبود شدید جهانی تراشه‌های حافظه شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی و تولیدکنندگان لوازم الکترونیکی مصرفی را وادار کرده است برای دسترسی به عرضه‌های رو به کاهش این قطعات با یکدیگر رقابت کنند؛ آن هم در شرایطی که قیمت این اجزای کم‌وزن‌وبرق، اما حیاتی که امکان ذخیره داده را برای دستگاه‌ها فراهم می‌کنند به‌سرعت در حال افزایش است. در زاین فروشگاه‌های لوازم الکترونیکی محدودیت‌هایی برای تعدادها‌ردیسک‌هایی که هر مشتری می‌تواند خریداری کند اعمال کرده‌اند. در چین نیز برخی سازندگان گوشی‌های هوشمند نسبت به افزایش قیمت‌ها هشدار داده‌اند. هم‌زمان غول‌های فناوری از جمله مایکروسافت، گوگل و بایت‌دس به گفته سهه منبع آگاه در تلاش‌اند تا عرضه مورد نیاز خود را از تولیدکنندگان تراشه‌های حافظه مانند مایکرون، سامسونگ الکترونیکس و اس‌کی‌هاینیکس تضمین کنند.

این فشار کمبود تقریبا همه انواع حافظه را دربر گرفته است؛ از تراشه‌های فلش مورد استفاده در فلش‌مموری‌ها و گوشی‌های هوشمند گرفته تا حافظه‌های پیشرفته با پهنای باند بالا (HBM) که سوخت اصلی تراشه‌های هوش مصنوعی در مراکز داده به شمار می‌روند. بر اساس داده‌های شرکت پژوهشی TrendForce، قیمت‌ها در برخی بخش‌ها از ماه فوریه تاکنون بیش از دو برابر شده است؛ روندی که معامله‌گران را به بازار کاشنده، آن هم با این تصور که موج افزایش قیمت‌ها هنوز به پایان نرسیده است.

پایندهای این وضعیت می‌تواند فراتر از صنعت فناوری گسترش یابد. بسیاری از اقتصاددانان و مدیران صنعتی هشدار می‌دهند که تداوم این کمبود، خطر کند شدن دستاوردهای بهره‌وری مبتنی بر هوش مصنوعی و به تعویق افتادن سرمایه‌گذاری صدها میلیارد دلاری در زیرساخت‌های دیجیتال را به همراه دارد. افزون بر این، این بحران می‌تواند فشارهای تورمی تازه‌ای ایجاد کند؛ آن هم در زمانی که بسیاری از اقتصادها در تلاش‌اند رشد قیمت‌ها را مهار کنند و هم‌زمان با تبعات تعرفه‌های تجاری آمریکا دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

سانجیت ویر گوپیا، مدیرعامل شرکت مشاوره فناوری Greyhound Research، می‌گوید: «کمبود حافظه حالا از یک مشکل در سطح قطعات فراتر رفته و به یک ریسک کلان اقتصادی تبدیل شده است.» او توضیح می‌دهد که «توسعه سریع هوش مصنوعی با یک زنجیره تأمین برخورد می‌کند که قادر ه تأمین نیازهای فیزیکی آن نیست.»

روتنرز می‌گوید که این بررسی درباره بحران فزاینده عرضه بر اساس مصاحبه با تقریبا ۴۰ نفر از جمله ۱۷ مدیر ارشد در شرکت‌های تولید و توزیع تراشه انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد تلاش‌های صنعت برای پاسخ به تقاضای شدید تراشه‌های پیشرفته که عمدتا توسط شرکت‌هایی مثل انویدیا و غول‌های فناوری مانند گوگل، مایکروسافت و علی‌بابا هدایت می‌شود منجر به یک بن‌بست دوگانه شده است. تولیدکنندگان تراشه هنوز قادر به تولید کافی نیمه‌هادی‌های پیشرفته برای رقابت در حوزه هوش مصنوعی نیستند و هم‌زمان تمرکز کمتر آنها بر محصولات حافظه سنتی عرضه گوشی‌های هوشمند، رایانه‌های شخصی و لوازم الکترونیکی مصرفی را محدود کرده است. برخی شرکت‌ها اکنون در تلاش‌اند تا مسیر تولید خود را اصلاح کنند.

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ در شرایطی تدوین شده که دولت میان دو راه دشوار گرفتار است؛ از یک سو باید کسری مزمن بودجه را مهار کند و از سوی دیگر نمی‌تواند از تبعات اجتماعی تصمیمات سخت فرار کند. بودجه ۱۴۰۵ با رشد اسمی تنها ۲درصد، ظاهری اقباضی دارد و درعین‌حال با مجموعه‌ای از تغییرات عمیق ارزی و قیمتی همراه است؛ تغییراتی که می‌توانند نظم نسبی قیمت‌های داخلی را برای ماه‌ها به چالش بکشند.

برای نخستین بار، این بودجه با تومان جدید (حذف چهار صفر) نوشته شده؛ اقدامی که گرچه بیشتر جنبه روانی و محاسباتی دارد، اما نشان‌دهنده تمایل سیاستگذار به قابل‌فهم‌تر کردن ابعاد بحران و پذیرش ضمنی شکست سیاست‌های تثبیتی گذشته است. در این لایحه، نرخ ارز گرم‌تر به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته، ارز ترجیحی حذف شده و دولت تلاش کرده به جای پاره ارز بی‌نهان، پاره نقدی و کالابرگی آشکار توزیع کند. بودجه ۱۴۰۵ بیش از آنکه یک نقشه توسعه باشد، یک سند مدیریت بحران است؛ دولت می‌کوشد دفاتر مالی را تراز نگه دارد، حتی اگر این تراز بیشتر حسابداری باشد تا اقتصادی. انکا به درآمدهای نفتی در فضایی که تحریم، تنش‌های بین‌المللی و محدودیت‌های فروش نفت همچنان پابرجاست، بودجه را در معرض عدم تحقق منابع قرار می‌دهد و وقتی منابع محقق نشوند، مقصد تکراری دولت‌ها روشن است؛ سیستم بانکی، استقراض و خلق نقدینگی. در نهایت، بودجه ۱۴۰۵ سه واقعیت را بی‌پرده بازتاب می‌دهد.

پکن به‌دنبال هوش مصنوعی کمونیست

گاهی با فیلتر کردن کلیدواژه‌ها و صفحات حساس بر اساس یک فهرست سیاه از پیش تعیین‌شده، با این مساله برخورد می‌کنند. اما زمانی که پژوهشگران آمریکایی این مدل‌های چینی را داندلود کرده و روی رایانه‌های خود در آمریکا اجرا کردند، بخش زیادی از سانسور از بیسن رفت. نتیجه‌گیری آنها این بود که اگر چه بخش بزرگی از سانسور در «مغز» مدل‌های هوش مصنوعی چینی نهادینه شده، اما بخش عمده آن پس از آموزش و در مرحله اجرا اعمال می‌شود.

نهادهای دولتی چین که بر حوزه هوش مصنوعی نظارت دارند، به درخواست‌ها برای اظهارنظر پاسخی ندادند. شرکت‌های هوش مصنوعی آمریکایی نیز برای محدود کردن انتشار خشونت یا محتوای نامناسب دیگر، تا حدی به‌منظور جلوگیری از شکایت‌های حقوقی و بدنامی، محتوا را تنظیم می‌کنند. اما به گفته پژوهشگران، تلاش‌های پکن، دست‌کم برای مدل‌هایی که در داخل چین فعالیت می‌کنند، معمولا بسیار فراتر می‌رود و بازتاب‌دهنده تلاش دیرینه این کشور برای کنترل گفتمان عمومی است.

چگونه محتوا فیلتر می‌شود

استانداردهای چین در حوزه هوش مصنوعی در یک سند مهم تشریح شده است؛ سندی که ماه گذشته به‌طور رسمی اجرا شد و به‌دست نهادهای ناظر بر فضای مجازی، پلیس امنیت سایبری، آزمایشگاه‌های دولتی و شرکت‌های پیشرو هوش مصنوعی چین، از جمله علی‌بابا و دی‌پیس‌یک، تدوین شده است. در این سند آمده است که ارزیابان انسانی شرکت‌های هوش مصنوعی باید برای هر قالب محتوایی مانند متن، ویدئو و تصویر که سامانه‌های هوش مصنوعی قادر به پردازش آن هستند، به‌طور تصادفی ۴ هزار نمونه از داده‌های آموزشی را بررسی کنند.

بر اساس این مقررات، شرکت‌ها تنها در صورتی مجاز به استفاده از یک منبع هستند که دست‌کم ۹۶ درصد محتوای آن «یمن» تشخیص داده شود. برای تعیین اینکه چه محتوایی «هایمن» تلقی می‌شود، مقررات ۳۱ نوع ریسک را مشخص کرده‌اند. نخستین مورد، هر گونه محتوای مرتبط با «تحریک به تضعیف قدرت دولت و سرنگونی نظام سوسیالیستی» است. از دیگر ریسک‌ها می‌توان به منابعی اشاره کرد که خشونت، اطلاعات نادرست یا تبعیض را ترویج می‌کنند، یا از تصویر و هویت افراد بدون اجازه استفاده می‌کنند.



و کمتر کاربران را به خودآزایی سوق می‌دهند. مت شیهان، پژوهشگر حوزه هوش مصنوعی چسین در بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی، می‌گوید: «اولویت اصلی حزب کمونیست همیشه تنظیم و کنترل محتوای سیاسی بوده، اما در درون سیستم افرادی هستند که واقعا به پیامدهای اجتماعی دیگر هوش مصنوعی، به‌ویژه تأثیر آن بر کودکان، اهمیت می‌دهند.» با این حال، او اضافه می‌کند که آزمایش‌های اخیر نشان می‌دهد در مقایسه با چت‌بات‌های آمریکایی، نمونه‌های چینی به‌ویژه زمانی که به زبان انگلیسی مورد پرسش قرار می‌گیرند، راحت‌تر «جیل‌بریک» می‌شوند؛ یعنی کاربران می‌توانند با ترفندهایی، مانند طرح سوال درباره ساخت بمب در قالب یک صحنه فیلم اکشن، از فیلترها عبور کنند. او می‌گوید: «بک کاربر باالگیزه همچنان می‌تواند با حقه‌هایی به اطلاعات خطرناک دست پیدا کند.»

وقتی سامانه‌های هوش مصنوعی بر محتوای اینترنت چین آموزش می‌بینند، این محتوا از پیش پاک‌سازی شده است؛ بخشی از آن به‌واسطه «دیوار آتش بزرگ چین» است؛ سامانه‌ای که پکن سال‌ها پیش برای مسدود کردن محتوای نامطلوب راه‌اندازی کرد. اما برای حفظ رقابت‌پذیری جهانی، شرکت‌های چینی ناچارند از منابع خارجی مانند ویکی‌پدیا نیز استفاده کنند؛ منابعی که به موضوعات تالو، از جمله کشتار میدان تیآن‌آن‌من، می‌پردازند.

توسعه‌دهندگان مدل چینی ChatGLM در یک مقاله پژوهشی نوشته‌اند که شرکت‌ها

جنگ فناوری آمریکا و چین

و وابسته کردن زنجیره تأمین جهانی به شرکت‌های آمریکایی و متحدان آنها بوده است.

نتایج این محدودیت‌ها:

کاهش ظرفیت تولید کارخانه‌های حافظه در چین
محدود شدن دسترسی چین به تجهیزات مدرن برای تولید HBM و DRAM
افزایش تقاضا در شرایط کاهش عرضه، که مستقیما باعث رشد قیمت جهانی RAM شده است.

محدودیت‌های صادرات حافظه‌های پیشرفته

ایالات متحده صادرات تراشه‌ها و حافظه‌های سطح بالا، به ویژه HBM، را محدود کرده است. این نوع حافظه برای پردازش‌های سنگین هوش مصنوعی و سوپر‌کمپیوترها

خسارت دو میلیون دلاری اندونگ گیت



عرفان حمیدی – نام‌های که از فدراسیون فوتبال به سازمان لیگ ارسال شد، مبنی بر اینکه دید به اندونگ هافبک گابنی استقلال دیگر قادر به همراهی این تیم در رقابت‌های لیگ بر تر نیست.

نام‌ای که از فدراسیون فوتبال به سازمان لیگ ارسال شد، مبنی بر اینکه دیدیده اندونگ هافبک گابنی استقلال دیگر قادر به رقابت‌های لیگ برتر نیست، کاملاً گویای اتفاقات ناگواری است که در باشگاه استقلال رخ داده است.

در حالی که پنجره نقل و انتقالات استقلال نیز بسته بود، باشگاه استقلال در خصوص نویسی اندونگ توجهی از خود نشان نداد تا این بازیکن قراردادش را با باشگاه استقلال فسخ کند. به این ترتیب اندونگ دیگر قادر نیست به لیست استقلال بازگردد چرا که در شرایط فعلی که پنجره نقل و انتقالات باشگاه استقلال مسدود است، عملاً جایی برای ورود بازیکن جدید باقی نمی‌ماند و با فعل و انفعالی که رخ داده در واقع اندونگ را تبدیل به یک ورودی جدید در باشگاه استقلال کرده است.

شاید اگر مدیران استقلال آن روز که اندونگ خواستار دریافت مطالباتش شد، موضوع را جدی گرفته و به سادگی از کنار آن ماجرا عبور نمی‌کردند، او اکنون بازیکن استقلال بود و در شرایطی که سایپنتو نیز در مرکز زمین عمیقاً به وجود این بازیکن نیاز دارد، همچنان از این بازیکن بهره می‌گرفت و در نیم‌فصل دوم نیز از وجود هافبک گابنی بهره می‌جست، اما بی‌توجهی به خطاهاهایی که این بازیکن به باشگاه داد، سبب شده به راحتی او نیز از چنگ استقلال بپرد و در شرایطی که این تیم همین حالا به دلیل پنجره بسته قادر به جذب بازیکن نیست، نتواند از وجود بازیکنی که در نیم‌فصل اول در ترکیبش بود نیز بهره بگیرد!



شور فوتبال در ایران به من انگیزه می‌دهد



گفتگو کرد که می‌خوانیم.

قبل از آمدن به ایران چقدر از فوتبال ایران و تیم چادرملو شناخت داشتی؟

قبل از آمدن به اینجا، در ک کلی از تیم ملی ایران داشتم و شناخت من از فوتبال ایران در همین حد بود. در خصوص چادرملو هم می‌دانستم که این باشگاه یک باشگاه رو به رشد است، با یک پروژه جدی و جاه‌طلبی‌های مشخص. انگیزه اصلی من پروژه ورزشی و اعتمادی بود که باشگاه به من کرد. احساس می‌کردم این فرصت خوبی برای رشد، رقابت و به اشتراک گذاشتن تجربیاتم در یک محیط جدید و سخت است. علاوه بر این، حرف‌های بودن باشگاه در تصمیم من کلیدی بود و من را بیشتر مجاب کرد تا به اینجا بیایم. با گذشت زمان حالا خیلی بیشتر در مورد شدت، سطح تاکتیکی و رقابت واقعی لیگ می‌دانم.

این تجربه مستقیم به من اجازه داده است تا فوتبال ایران را بهتر درک کنم و به سرعت با آن سازگار شوم.

امسال چادرملو توانسته در جمع مدعیان قرار بگیرد. از دیدگاه شما دلیل این عملکرد خوب تیم چیست؟

عملکرد قوی تیم به دلیل سختکوشی مداوم، نظم و انضباط و اعتماد بین بازیکنان و کادر مربیگری است. یک سبک بازی مشخص و تعهد جمعی وجود دارد که در نتایج منعکس می‌شود. همه به سهم خود مشارکت می‌کنند و این تفاوت را ایجاد می‌کند.

لیگ ایران را از نظر سطح، سبک و رقابتی بودن چگونه می‌بینید؟

لیگ ایران بسیار رقابتی است، با سطح بالایی از آمادگی جسمانی و تیم‌های سازماندهی‌شده از نظر تاکتیکی. هر مسابقه‌ای سخت است و هیچ حرفی آسانی وجود ندارد، که بازیکنان را مجبور می‌کند همیشه متمرکز و آماده باشند. این یک لیگ سخت و بسیار جذاب است.

وضعیت و فضای فعلی تیم چگونه است؟

تا به اینجا تجربه من بسیار مثبت بوده است. من یک تیم متحد با ارتباطات خوب و ذهنیت رقابتی می‌بینم. جو سالم و متمرکز بر کار سخت است که به ما امکان می‌دهد هر روز پیشرفت کنیم.

چه چیزی در ایران تو را بیشتر از همه، تحت تأثیر قرار داده است؟

خارج از زمین، میهمان‌نوازی مردم و احترامشان به فرهنگ و سنت‌ها مرا تحت تأثیر قرار داده است. در زمین، چیزی که برجسته است، شور و اشتیاق به فوتبال و فداکاری‌ای است که در هر مسابقه وجود دارد، موضوعی که به عنوان یک بازیکن به من انگیزه زیادی می‌دهد.

این وضعیت به شدت سایپنتو را نیز ناراضی کرده و سرمربی استقلال عمیقاً از بروز این اتفاقات دلخور است که با وجود محرومیت تیمش از نقل و انتقالات حتی از وجود اندونگ نیز محروم شده است.
مضاف بر آن باشگاه استقلال نیز باید همه مطالبات این بازیکن گابنی را پرداخت کند. باشگاه استقلال با اندونگ قرارداد ۲ ساله منعقد کرده و گفته می‌شود قرارداد فی‌مابین ۲ میلیون دلار است که باشگاه ناچار به پرداخت همه مطالبات این بازیکن است.

در چنین شرایطی باید از مدیران باشگاه استقلال پرسید زمانی که اندونگ به این باشگاه اخطار داد تا مطالباتش پرداخت شود، در حال چه کاری بودند و آیا اساساً موضوع را جدی گرفتند؟
سؤالی که پاسخش کاملاً روشن است و مشخصاً مدیران باشگاه استقلال به سادگی از کنار این موضوع عبور کردند و شاید بر این باور بودند که بعد از پرداخت مطالبات این بازیکن دوباره می‌توانند او را به لیست بازگردانند. غافل از اینکه دیگر بازگشت ممکن نبود و آنها نمی‌توانستند این بازیکن را به لیست بازگردانند.

از دست رفتن اندونگ در واقع ضربه مهلک به تاکتیک‌ها و سیاست‌های فنی ریکاردو سایپنتو، سرمربی استقلال است. بی‌تردید مرد پر تعالی به دنبال تداوم بهره‌برداری از این بازیکن بود و قصد داشت در نیم‌فصل دوم نیز اندونگ را در خط میانی تیمش به کار بگیرد اما با اتفاقاتی که رخ داده و این بازیکن نمی‌تواند به فهرست استقلال بازگردد، برنامه‌های او در خط میانی به طور مشهودی بر هم خواهد خورد. اندونگ، بازیکنی بود که از نظر فنی عمیقاً به کار استقلال می‌آمد. او هم قابلیت بازسازی داشت و هم تخریب حملات حریف و این اواخر به همین حالا در تاکتیک‌های سایپنتو جا افتاده بود اما در هر حال او حالا دیگر بازیکن استقلال نیست و نمی‌تواند جایی در میان ترکیب استقلال داشته باشد.

آیا اندونگ از استقلال جدا خواهد شد؟

بعد از اتفاقات اخیر احتمال جدایی اندونگ از استقلال نیز قوت گرفته است. این بازیکن که عضو تیم ملی گابن نیز محسوب می‌شود قطعاً نمی‌تواند نیم‌فصل دوری از میادین را تحمل کند. به احتمال زیاد او راهی یکی از تیم‌های حاشیه خلیج‌فارس خواهد شد که اگر چنین شود و او از استقلال به تیم دیگری برود، بار مالی او نیز کاهش خواهد یافت و آنگاه باشگاه استقلال ناچار نخواهد بود که همه مطالبات این بازیکن را پرداخت کند. هر چند که همین حالا نیز به دلیل اهمالی که شده، مدیران باشگاه استقلال عمیقاً در این ماجرا مقتصرد و نتوانستند این موضوع ساده را به درستی مدیریت کنند.

به سوی جام

مرحله یک‌هشتم نهایی جام حذفی با برگزاری بازی استقلال و فولاد هرمزگان دنبال خواهد شد. دیداری که قرار بود در ورزشگاه شهدای خلیج فارس استان هرمزگان برگزار شود اما در نهایت این بازی به شهر یزد منتقل شد. این جابه‌جایی شاید فضای ذهنی دو تیم را دچار دوگانگی کند اما در ماهیت برگزاری یک بازی فوتبال تأثیری ایجاد نخواهد کرد و دو تیم می‌توانند فارغ از هیاهو رخ در رخ هم قرار بگیرند.

به طور طبیعی تیم فولاد هرمزگان نمی‌تواند برای استقلال دردمسر بزرگی تلقی شود. این باشگاه در لیگ دو فعال است و از نظر فنی تیمی نیست که قابلیت برتری مقابل آبی‌ها را داشته باشد اما به هرحال جام حذفی همواره محلی برای عرض‌اندام و خودنمایی این قبیل تیم‌ها است و فولاد هرمزگان نیز می‌تواند برای استقلال به یک دردمسر بالقوه تبدیل شده و این تیم را آزار دهد. اما در هرحال وقتی نگاهی می‌اندامیم به اسامی بازیکنان آبی‌پوش، به این نکته مهم می‌رسیم که سایپنتو و شاگردانش بعید است مسأله حادی در پیش داشته و دچار بحران آنچنانی در برابر رقیب نه چندان با نام و نشان خود شوند.

به هرحال فوتبال هرمزگان پیش‌تر با تیم شهرداری بندرعباس در سطح اول فوتبال ایران دیده شد و از نظر فنی بازیکنانی با سبک و سیاق فوتبال خورستان در باشگاه‌های بندرعباسی به چشم می‌خورند و شاید استقلال ظهیر امروز با تیمی مواجه شود که لاقلاً بتواند از نظر تکنیکی و با دوندگی آزارش دهد.

البته سایپنتو در این بازی بخشی از بازیکنان خود را در اختیار ندارد و به احتمال زیاد روی خواهد آورد به نیروهای جوان‌تر و با کمتر بازی کرده اما شاکله اصلی استقلال و بازیکنانی که در هفته‌های اخیر در ترکیب این تیم خوش درخشیدند(مانند آسانی، فلی‌زاده و…) قابلیت خلق بردی دیگر را برای استقلال خواهند داشت و می‌توانند آبی‌ها را به سمت پیروزی در این بازی سوق دهند.

با پایان رقابت‌های جام ملت‌های عرب، لیگ فوتبال عراق هم آغاز شد و علیرضا منصوریان که در تصمیمی غیرمنظره راهی تیم الطلیه عراق شده بود، توانست با رقم زدن یک کار بزرگ در اولین بازی رسمی خود به‌عنوان سرمربی این تیم، کار خود را با یک پیروزی ارزشمند آغاز کند. الطلیه که با منصوریان از زمان حضور او روی نیمکت این تیم سه بازی تدارکاتی را پشت سر گذاشته بود، اولین بازی خود با سرمربی ایرانی را در دربی بغداد مقابل قهرمان چهار دوره اخیر لیگ عراق و نماینده این کشور در لیگ نخبیگان یعنی الشرطه برگزار کرد و با ارائه یک بازی فوق‌العاده، با یک گل این تیم را شکست داد. الطلیه که در چهار سال اخیر هیچ‌گاه موفق به شکست دادن الشرطه در دربی شهر بغداد نشده بود، با این برد جهشی فوق‌العاده در جدول داشت و با ۱۴ امتیاز، از رده یازدهم جدول به رده چهارم صعود کرد.این برد بزرگ برای منصوریان و شاگردانش، سرودهای زیادی در رسانه‌های عراقی به پا کرد. باشگاه الطلیه که حالا هوادارانش بشدت از حضور منصوریان روی نیمکت این تیم راضی هستند، با انتشار تصویری از منصوریان به این شکل برای رقیب همشهری کری خواند: «بپول مقابل تاریخ‌نار و امروز ایست بازرسی و پلیس پیش ماست (کنایه به اسم باشگاه الشرطه به معنی پلیس). میلیارد‌ها پول تان مقابل ابهت الطلیه باد هوا شد. می‌توانستیم با پنج گل کار را تمام کنیم ولی به همین اختلاف یک گل اکتفا می‌کنیم. اگر کسی بخواهد ما را تهدید کند، بداند در چالش بعدی قوی‌تر هستیم.»

تیم ملی قوی باشد، باشگاه‌ها هم دیده می‌شوند



تیم فوتبال بانوان خاتون بم در هفته دوازدهم لیگ برتر با برتری ۲ بر صفر مقابل ایستنا البرز، به روند پیروزی‌های متوالی خود ادامه داد. این دیدار در ورزشگاه فجر بم و با حضور استاندار کرمان برگزار شد، مسابقه‌ای پرچالش و پربحث بود. نیلوفر اردلان، سرمربی تیم ایستنا البرز، پس از پایان بازی درباره جریان مسابقه، تصمیمات داوری و همچنین تداخل اردوهای تیم ملی با رقابت‌های لیگ توضیحاتی ارائه داد.

بازی را چطور دیدید؟

قبل از هر چیز به هر دو تیم خسته نباشید

می‌گویم. خاتون تیمی با تجربه است و از همان

نیمه اول روی فرصت‌های محدود، به‌خصوص توب‌های برگشتی، توانست به گل برسد. به نظرم شاهد یک بازی کاملاً پایاپای بود. ما هم در دقایق ابتدایی بازی موقعیت گل داشتیم، اما کم‌تجربگی بازیکنان‌مان باعث شد نتوانیم از آن استفاده کنیم.

عملکرد تیم شما در نیمه دوم بهتر شد؟

بله، با تغییراتی که در نیمه دوم ایجاد کردیم، روند تیم کاملاً مثبت شد. توانستیم بازی را کنترل کنیم و موقعیت‌های خوبی بسازیم. واقعاً این حس وجود داشت که می‌توانیم به گل برسیم و حتی امتیاز بگیریم.

درباره صحنه بحث‌برانگیز داوری و گل دوم خاتون توضیح می‌دهید؟

در آن صحنه، مهاجم ما تک‌بته شد و به اعتقاد ما مدافع خاتون روی او خطا کرد. کمک‌داور پرچم زد، اما داور وسط متوجه نشد و بازی ادامه پیدا کرد. توب برگشتی وارد دروازه ما شد. بعد از آن داوران دیگر موضوع را به داور وسط منتقل کردند و ناظر داوری هم برای کمک وارد شد. در نهایت تصمیم نهایی با داور بود.

نظر شما درباره تصمیم داور چه بود؟

من فکر می‌کنم باید به شجاعت داور احترام گذاشت. تصمیم سختی بود، اما به نظرم تصمیم درستی گرفت. درست است که VAR نداریم، اما اگر VAR بود، احتمالاً همین نتیجه رقم می‌خورد. وقفه‌ای که در بازی ایجاد شد، بیشتر به خاطر همین صحنه بود.

فکر می‌کنید نتیجه عادلانه چه بود؟

به نظر من نتیجه مساوی می‌توانست عادلانه‌تر باشد، اما خاتون تیمی باتجربه است و مدیریت لحظات سخت بازی را خیلی خوب بلد است. همین تجربه باعث شد در نهایت برنده شوند. با این حال، ما این توان را داشتیم که از این بازی امتیاز بگیریم.

درباره اعلام لیست تیم ملی پیش از برگزاری بازی چه نظری دارید؟

ما باید اول مشخص کنیم که چه چیزی برای فوتبال ملی‌مان می‌خواهیم. تیم ملی در گروه سختی قرار دارد و زمان زیادی هم ندارد. طبیعتاً اردو لازم است. شاید بهتر بود اعلام اسامی بعد از پایان این بازی انجام می‌شد، چون ورود بازیکنان به اردو یکشنبه شب است. این موضوع می‌تواند از نظر حرفه‌ای به باشگاه‌ها فشار بیاورد، اما قابل اصلاح است.

تداخل لیگ و اردوهای ملی را چگونه می‌شود مدیریت کرد؟

اگر تیم ملی ما قوی باشد، باشگاه‌ها هم دیده می‌شوند. بالا رفتن رتکینگ ایران در AFC به نفع فوتبال باشگاهی است.

جزئیات قرارداد ۲۵ بازیکن لورفت

پرسپولیس در سامانه کدال و فابروس هم تنها اطلاعات عمومی و کلی را منتشر کرده بود. در اخیر منتشر شده دیگری اعلام شده بود این نفوذ منجر به افشای ۱۲۰ فایل شده و بخش بزرگی از این داده‌ها شامل تصاویر حساس نظیر کارت‌های ملی و گذرنامه‌های اعضا و بازیکنان فعلی و پیشین باشگاه است.

اما آنچه این هک را به یک جنجال تمام‌عبار تبدیل کرد، انتشار جزئیات قرارداد ۲۵ بازیکن بود که در میان اسناد لو رفته، نام ستاره‌های تأثیرگذاری همچون اوستون اورونوف، الکسیس گندوز، ایوب العملود و میلاد محمدی به چشم می‌خورد. همچنین قرارداد چهارمهای سابقه تیم مانند امید علیشاه، وحید امیری و مرتضی پورعلی‌گنجی نیز در این لیست قرار دارد که می‌تواند جزئیات مالی و توافقات پنهان باشگاه را در معرض دید عموم قرار دهد.

علاوه بر قراردادهای داخلی، مدارک مربوط به ITC (گواهی انتقال بین‌المللی) بازیکنانی نظیر گندوز و اورونوف که مستقیماً از سیستم‌های فیفا استفاده شده، در این مجموعه دیده می‌شود. نکته جالب توجه، وجود سندی مبنی بر توافق با باشگاه سیاهان برای انتقال فرشاد احمدزاده است که ابعاد مدیریتی نقل‌وانتقالات اخیر را روشن می‌کند.

بعد از انتشار این اطلاعات در رسانه‌های ورزشی، علی بازگشا سخنگوی باشگاه پرسپولیس گفت: ما در حال بررسی این ادعا هستیم و بخش فنی ما در حال پیگیری است که ببیند آیا در این ایام هکی صورت گرفته یا خیر. فعلاً تا بررسی نکردن همه ابعاد این ماجرا بیش از

ورزش

روزنامهٔ «مِرازقتصاد» ^(www.marzeghtesad.ir) **روزنامهٔ «مِرازقتصاد»** دوشنبه ۲۲ دی ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۴۱ **www.marzeghtesad.ir**

▼نبرد منامه

دیدار سرنوشت‌ساز استقلال ایران و المحرق بحرین چهارشنبه شب در منامه برگزار می‌شود؛ مسابقه‌ای که برای آبی‌پوشان حکم آخرین شانس صعود از مرحله گروهی لیگ قهرمانان ۲ آسیا را دارد. این دیدار در ورزشگاه اختصاصی باشگاه المحرق برگزار خواهد شد و استقلال برای زنده نگه داشتن امیدهای خود، تنها یک راه پیش‌رو دارد: پیروزی.

آخرین بازی استقلال در لیگ قهرمانان ۲ آسیا این مسابقه، آخرین دیدار استقلال در مرحله گروهی لیگ قهرمانان ۲ آسیا محسوب می‌شود؛ رقابتی که آبی‌ها در آن فـسـراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشتند. استقلال تا اینجا فرصت‌های متعددی برای قطعی کردن صعود داشته، اما امتیازهای از دست‌رفته باعث شده کار این تیم به هفته پایانی کشیده شود. حالا دیگر جایی برای اشتباه باقی نمانده و حتی کسب یک امتیاز هم استقلال را به مرحله بعد نخواهد رساند.

تنها راه صعود؛ ۳ امتیاز

شرایط جدول به شکلی است که استقلال فقط با کسب سه امتیاز می‌تواند به مرحله بعد صعود کند. تساوی یا شکست، به معنای خداحافظی زودهنگام از آسیا خواهد بود. همین موضوع حساسیت این مسابقه را دوچندان کرده و استقلال را مجبور می‌کند با رویکردی کاملاً هجومی و هدفدار وارد زمین شود. آبی‌ها علاوه بر صعود، به دنبال گرفتن انتقام شکست یک بر صفر دیدار رفت مقابل همین تیم بحرینی هستند؛ شکستی که در خانه رقم خورد و هنوز در ذهن هواداران باقی مانده است.

غایبان بر تعداد چالش بزرگ سایپنتو

استقلال در این بازی با فهرست قابل توجهی از غایبان مواجه است. بازیکنانی چون اندونگ، احمدی، کوشسکی، رضاییان و جلالی به دلایل مختلف در این مسابقه حضور ندارند و همین مسأله دست ریکاردو سایپنتو را تا حدی بسته است. با این حال، سرمربی پرتغالی استقلال امیدوار است سایر نفرات تیم بتوانند خلأ این بازیکنان را پر کنند و با ارائه نمایشی منسجم، تیم را به هدف اصلی برسانند.

نقش کلیدی خط میانی

در چنین دیدار حساسی، نقش بازیکنان خط میانی استقلال بسیار پررنگ خواهد بود. روزبه چشمی و رزاقی‌نیا به‌عنوان مهره‌های مرکزی باید تعادل لازم میان دفاع و حمله را برقرار کنند. کنترل ریتم بازی، جلوگیری از ضدحملات المحرق و تغذیه خط حمله از وظایف اصلی این دو بازیکن خواهد بود. استقلال اگر در میانه میدان برتری داشته باشد، شانس زیادی برای تحمیل خواسته‌هایش به حریف خواهد داشت.

دفاع کناری؛ هم حمله هم دفاع

بازیکنانی مانند حردانی و گودرزی نیز در این مسابقه نقش دوگانه‌ای برعهده دارند. آنها باید هم در فاز هجومی مشارکت فعال داشته باشند و هم در بازگشت‌های دفاعی دچار غفلت نشوند. فشار از کنارها می‌تواند یکی از راه‌های استقلال برای باز کردن دفاع المحرق باشد، اما کوچک‌ترین اشتباه در این مناطق می‌تواند به ضدحملات خطرناک تیم میزبان منجر شود.

نبرد تاکتیکی و ضرورت بازی انتقالی استقلال برای موفقیت در این دیدار باید بازی انتقاهی و جسورانه‌ای ارائه دهد. آبی‌ها نباید اسیر تفکرات تاکتیکی المحرق شوند و لازم است با فوتبالی رو به جلو، سرعت بالا و استفاده حداکتری از موقعیت‌ها، جریان بازی را در اختیار بگیرند. مدیریت درست دقایق مسابقه، بویژه در نیمه دوم، می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت این نبرد حساس باشد.

فشار سنگین روی سایپنتو

این مسابقه برای ریکاردو سایپنتو نیز اهمیت حیاتی دارد. حذف آن، رقابت‌های آسیایی‌فشار زیادی را متوجه این مربی خواهد کرد، در حالی که صعود از گروه می‌تواند استقلال و کادر فنی او دوسره احیا کند و روحیه تازه‌ای به تیم بدهد. عملکرد استقلال در منامه، تا حد زیادی آینده سایپنتو را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

آخرین سده تمرکز درون دروازه

در ایسن میسان، آدان به‌عنوان دروازه‌بان استقلال حق هیچ‌گونه اشتباهی ندارد. تمرکز بالا، واکنش‌های مطمئن و مدیریت خط دفاع می‌تواند یکی از کلیدهای اصلی صعود باشد. استقلال برای رسیدن به هدف بزرگ خود، به عملکردی کبئقص در همه خطوط نیاز دارد. چهارشنبه شب، منامه میزبان یکی از حساس‌ترین بازی‌های استقلال در سال‌های اخیر خواهد بود. صعود از گروه می‌تواند خونی تازه در رگ‌های آبی‌ها جاری کند، باید دید استقلال از این آخرین فرصت چگونه استفاده خواهد کرد.

ترکیب احتمالی استقلال

به دلیل تعدد غایبان، ترکیب استقلال تغییرات زیادی خواهد داشت. اما می‌توان گفت که آنتونیو آدان در چهارچوب دروازه است. حسین موتوف و فلاح در قلب دفاع بازی خواهند کرد. آسیر گودرزی و صالح حردانی در دفاع چپ و راست. روزبه چشمی و امیرمحمد رزاقی‌نیا به عنوان دو هافبک نزدیک به خط دفاع و منیر الحدادی، یاسر آسانی و اسماعیل فلی‌زاده (به احتمال زیاد) کمی جلوتر بازی خواهند کرد و سعید سحرخیزان در خط آتش به میدان خواهد رفت.

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین**مدیر مسئول:** ابوالفضل حمیدی**چاپ:** جام جم**آدرس:** تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز، البرزیکم، پلاک ۶**تلفن:** ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰**گستره توزیع:** سراسری**شرکت توزیع:** نشر گستر

جنگل شهر ام ناظری در قونیه

سالگرد درگذشت مولانا چند روز پیش در دانشگاه ما به مشاهیر و عرفای ما خیلی علاقه‌مند نبودند. سلجوق قونیه در ترکیه برگزار شد. انتشار فیلمی هیچ‌گاه هیچ‌کدامشان نخواستند یکی بار بیایند مولانا مراسم معرفی و رونمایی انبوم «بیا ای عشق» با از سخنرانی شهرام ناظری در این مراسم جنگل به را ببینند. یا اصلا راه دور است؛ همان در خود ایران، صدای شهرام ناظری و زنده‌یاد دولتمند خالف، خواننده وجود آورد و واکنش‌های بسیاری را برانگیخت. شهرام شاید بزرگ‌ترین عرفای کره زمین و عالم بشریت در معروف تاجیک، هم‌زمان با هفتصد و پنجاه و دومین ناظری در این مراسم گفت: «مسوولان و دولتمردهای خاک خودمان ایران خوابیده‌اند



در صورت برقراری ارتباط با شبکه بانکی بین‌الملل، امکان استفاده از ابزارهایی مانند ترید فاینانس برای فراهم می‌شد.

گزینه‌های موثر برای تامین مالی بنگاهها محدود است. گرچه ابزارهایی مانند انتشار اوراق، سرمایه‌گذاری خطرپذیر یا بورس وجود دارد، اما دسترسی و آمادگی بنگاهها برای استفاده از آنها بسیار پایین است و تنها بخش کمی از نیاز مالی را پوشش می‌دهد. ارتباط بانکهای ایرانی با بانکهای بین‌المللی قطع شده است، در حالی که پیش‌تر تولیدکنندگان از فاینانس بین‌المللی و ال‌سی برای واردات مواد اولیه استفاده می‌کردند، بدون آنکه نقدینگی خود را ماهها در بانکها بلوکه کنند. امروز تولیدکنندگان مجبور هستند نقدینگی خود را به بانک مرکزی بپردازند و چهار تا پنج ماه منتظر تخصیص ارز بمانند، درحالی‌که رقبای منطقه‌ای از ترید فاینانس بهره می‌برند. به‌طور کلی، ترکیب سابق تامین مالی بانکی و بین‌المللی دیگر فراهم نیست و بنگاهها با محدودیتهای جدی مواجه هستند.

فروزان‌فرد با ارائه دستمبندی روش‌های تامین مالی تصریح کرد: اگر روش‌های مختلف تامین مالی را به دو گروه تقسیم کنیم؛ اول روش‌هایی است که بعدیل تحریمها و قطع ارتباط ایران با بانکهای بین‌المللی از دسترس خارج شده‌اند و دوم روش‌هایی است که به‌واسطه محدودیتهای داخلی کارایی خود را از دست داده‌اند. در گروه نخست باید به ناتوانی ایران در استفاده از منابع گسترده مالی بین‌المللی اشاره کرد. این محدودیت ناشی از قطع ارتباط کشور با نظام بانکی بین‌المللی است. در صورت برقراری ارتباط ایران با شبکه بانکی بین‌الملل، امکان استفاده از ابزارهایی مانند ترید فاینانس برای تامین مالی فراهم می‌شد و حتی خود نظام بانکی نیز می‌توانست از منابع بانکهای خارجی بهره‌مند شده و بخشی از نیازهای مالی خود را پوشش دهد. عدم عضویت ایران در FATF نقش مهمی در شکل‌گیری این شرایط داشته است. از سوی دیگر، محدودیتهای ارزی و سیاست سهمیه‌بندی ارز باعث شده است تولیدکنندگان برای تامین نیازهای خود ناچار به در اختیار داشتن ریال نقد باشند. در چنین شرایطی، بنگاهها باید تلاش کنند تامین مالی خود را بر پایه بازار سرمایه انجام دهند.

از تسهیلات به تعهدات

بهنام خاکباز، کارشناس حوزه تامین مالی، درباره روش‌های مختلف تامین مالی صنایع در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» توضیح داد: تامین مالی به‌طور کلی به دو دسته تامین مالی پروژه‌ای و تامین مالی سرمایه در گردش تقسیم می‌شود. تامین مالی پروژه‌ای عمدتاً به طرح‌های ایجادیه اشاره دارد، در حالی که تامین مالی از طریق سرمایه در گردش با هدف حفظ جریان عادی فعالیتها و پاسخ‌گویی به نیازهای جاری شرکتها انجام می‌شود. این منابع مالی از مسیرهای مختلفی تامین می‌شوند که از جمله این مسیرها می‌توان به بانکها به‌عنوان بازار پول، بازار بدهی به‌عنوان بخشی از بازار سرمایه و همچنین بازار غیررسمی اشاره کرد. بازار غیر رسمی علاوه بر نهادهای مالی، شامل بازیگران صنعتی هم می‌شود که می‌توانند بصورت هم‌گروه یا خارج از یک چارچوب سازمان‌یافته در فرآیند تامین مالی نقش داشته باشند. روش‌های تامین مالی در هر موضوع و بر اساس منابع مورد نیاز و ساختار مالی صنعت می‌تواند بسیار متفاوت عمل کند. به‌عنوان مثال، مسیر بانکی در تامین سرمایه در گردش صنایع فولاد، معدن و فلزات عمدتاً شامل استفاده از اعتبارات اسنادی برای پوشش نیازهای مالی است، درحالی‌که برای همین نیاز و در حوزه صنایع ماشین و خودروسازی روش‌هایی مرتبط با تعهدات بانکی مثل برات سهامی می‌تواند روش مناسبی باشد.

او گفت: از سوی دیگر، در هر صنعت و در سطوح مختلف زنجیره تامین، ابزارهای تامین مالی می‌توانند به شکل متفاوتی مورد استفاده قرار گیرند. برای نمونه در صنعت معادن و فلزات، بازیگران بخش معدنی این امکان را دارند که با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند اوراق بدهی و شیوه‌های تامین مالی قراردادی و بیمه‌ناکاری، بخشی از نیازهای سرمایه در گردش خود را پوشش دهند. بر همین اساس، انتخاب ابزار مالی متناسب با نیاز هر بنگاه می‌تواند به بهینه‌سازی عملیات مالی شرکتها منجر شود. با این حال، در اقتصاد ایران به دلیل جذابیت بیشتر تسهیلات بانکی، محدودیت تنوع ابزارهای مالی و به‌ویژه کم‌توجهی به ابزارهای نوا ارائه‌ای مانند مشتقات، این رویکرد در عمل کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

خاکباز درباره تاثیر تحریمها بر روش‌های تامین مالی اظهار کرد: تحریمها باعث افزایش هزینه پول در بخش صنعت شده که هم به‌صورت مستقیم از طریق بالا رفتن هزینه‌های تامین مالی و هم به‌صورت غیرمستقیم از مسیر رشد نرخ ارز و افزایش هزینه‌های تمام‌شده، فشار بیشتری بر بنگاههای تولیدی وارد می‌کنند. در چنین شرایطی، فاصله میان نرخهای بازار و نرخهای مورد عمل بانکها و موسسات مالی افزایش یافته و همین موضوع کارایی و دسترسی بنگاهها به ابزارهای متعارف تسهیلاتی را کاهش داده است. این وضعیت در کنار اجرای سیاست‌های انقباضی، دسترسی به منابع مالی را بحدت محدود کرده، طوری که تامین مالی پروژه‌ها عملاً از بازار پول کشور خارج شده است. یکی از دلایل اصلی محدود شدن این ابزارها، قیمت‌گذاری دستوری در اقتصاد است که زمینه شکل‌گیری رانت را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، افزایش تقاضا برای مصارف غیرمولد و مصرفی، سهم بخش تولید از تسهیلات سرمایه در گردش را کاهش داده است. در کنار این عوامل، محدودیتهای قانونی و مقرراتی بانک مرکزی نیز دامنه اعطای تسهیلات را تنگتر کرده و در نهایت بانکها را ناگزیر به استفاده از ابزارهای تعهدی و نوا ارائه کرده است. ابزارهایی که هم برای شبکه بانکی و هم برای شرکتها جدید هستند و در برخی موارد، به دلیل نبود تجربه و زیرساخت کافی، ممکن است به‌دستی مورد استفاده قرار نگیرند.

این کارشناس حوزه تامین مالی با اشاره به روش‌هایی که در اثر تحریمها محدود شده‌اند، توضیح داد: تحریمها، کاهش بهره‌وری صنایع در سال‌های اخیر و تورم فرابینده ناشی از آن، محدودیتهایی را در برخی روش‌های تامین مالی ایجاد کرده است. برسی‌ها نشان می‌دهد سهم تسهیلات مستقیم به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است. با این حال، هیچ‌یک از ابزارهای تامین مالی در شرایط تحریم به‌طور کامل حذف نشده‌اند و آنچه تغییر کرده، کاهش سهم و میزان استفاده از این روش‌هاست. در مجموع، رویکرد شبکه بانکی با تغییراتی همراه شده است. به‌گونه‌ای که سهم تسهیلات نقدی کاهش یافته و تمرکز بانکها به سمت ابزارهای مبتنی بر تعهدات حرکت کرده است. ابزارهایی مانند اعتبارات اسنادی (LC)، اوراق گام، انواع ضمانت‌نامه‌ها و اوراق بدهی، اکنون نقش پررنگتری در تامین مالی ایفا می‌کنند.

خاکباز با اشاره به ابزارهای تامین مالی مناسب در شرایط فعلی و روش‌های تامین مالی برای هر صنعت تصریح کرد: در شرایط فعلی، برخی ابزارهای تامین مالی نسبت به سایر روش‌ها قابلیت استفاده بهتری دارند. از جمله این ابزارها می‌توان به SCF اشاره کرد که در ایران عمدتاً به ابزارهای تعهدی قابل انتقال شامل برات و اوراق گام محدود شده‌اند. این در حالی است که این روش‌ها با هدف کاهش ریسک نقدینگی، شامل طیف گسترده‌ای از ابزارهای مالی متعارف را رویکردهای نوین و صنعت‌محور هستند. با توجه به شرایط اقتصادی کشور، می‌توان گفت ابزارهایی که در آینده، چه در حوزه سرمایه در گردش و چه در حوزه تامین مالی پروژه‌ای، شانس تداوم دارند، در بازار پول عمدتاً همین ابزارها هستند. در بازار سرمایه نیز ابزارهایی مانند اوراق صکوک، مابرجه و انواع اوراق بدهی از چشم‌انداز بهتری برخوردارند و می‌توانند مکمل ابزارهای پایه بانکی در حوزه SCF باشند.



در صورت

برقراری ارتباط**با شبکه****بانکی بین‌الملل،****امکان استفاده****از ابزارهایی****مانند ترید****فاینانس برای****تامین مالی****فراهم می‌شد.**

تولید، قربانی «بی‌پولی»

مرغی اکبری-در سال‌های اخیر، صنایع کشور تحت فشار تر کبیسی از تورم افسار گسیخته، تحریم‌های بین‌المللی و سیاست‌های انقباضی بانکی قرار گرفته‌اند.

خارجی به معنای رایج آن در کشور وجود ندارد. به‌عنوان مثال، امکان خرید کالا و پرداخت وجه در آینده فراهم نیست. هرچند، برخی افراد در امارات خدمات شیفت‌فاینانس ارائه می‌دهند، اما این روش‌ها با هزینه‌های بسیار سنگینی همراه است و برای بسیاری از فعالان این حوزه صرفه اقتصادی ندارد.

شکر خدایی درباره روش‌های تامین مالی که بعدیل تحریمها از دست رفته‌اند، توضیح داد: بخشی از این محدودیتهای ناشی از تحریمهاست، اما عدم عضویت ایران در FATF نیز مانع برقراری ارتباط بانکی موثر با شبکه مالی جهانی شده است. به همین دلیل، گشایش اعتبار اسنادی (ال‌سی) و واردات رسمی کالا محدود شده و سرمایه‌گذاری خارجی نیز با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو است. شرکت‌های خارجی برای ورود و انتقال منابع مالی ناچار به روش‌هایی مانند تبدیل سرمایه به طلا یا رمزارز هستند که هزینه‌ها را بالا برده و استفاده از سود پس از سرمایه‌گذاری را سخت می‌کند.

رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تامین مالی با اشاره به محدودیتهای ارزی در تامین مالی صنایع اظهار کرد: یکی از دلایل اصلی عدم تامین مالی صنایع، محدودیتهای ارزی است. در حال حاضر، دلار در برخی تالارها عرضه نمی‌شود؛ چرا که قیمت آن فاصله قابل‌توجهی با نرخ واقعی دارد و این وضعیت به‌گونه‌ای است که عملاً صادرکننده به واردکننده پاره می‌دهد. به‌طور واقعینانه، اگر یک بنگاه اقتصادی امکان دریافت تسهیلات با نرخ ۴۰ درصد را داشته باشد، باید از این فرصت استفاده کند؛ چراکه با توجه به نرخ بالای تورم، چنین تسهیلاتی در عمل برای بنگاه سودآور خواهد بود.

تولید در محاصره تحریم و خود تحریمی

حسن فروزان‌فرد، نایب‌رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تامین مالی اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» درباره روش‌های تامین مالی صنایع توضیح داد: بررسی‌های انجام‌شده در کمیسیون سرمایه‌گذاری و تامین مالی اتاق بازرگانی ایران نشان می‌دهد که بخش عمده تامین مالی صنایع کشور همچنان از مسیر نظام بانکی انجام می‌شود. در سه سال اخیر، بعدیل پیچیدتر شدن شرایط اقتصادی کشور، افزایش نرخ تورم و موانعی که در مسیر توسعه اقتصادی ایجاد شده، نظام بانکی با محدودیتهای بیشتری در اعطای تسهیلات مواجه شده است. سخت‌گیری‌های بانکها در تعیین سقف وامها و نحوه استفاده از منابع بانک مرکزی باعث شده تامین مالی بانکی حتی پاسخگویی نیازهای جاری بنگاهها نباشد. این در حالی است که پیش از این، بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط نیازهای سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری خود را از طریق نظام بانکی تامین می‌کردند. از طرفی، کاهش جذابیت سپرده‌گذاری بانکی و تغییر رفتار سرمایه‌گذاران باعث شده بانکها منابع کمتری برای تامین مالی در اختیار داشته باشند و حتی افراد کهریسک سپرده‌گذاری را به‌دلیل تورم بالا گزینه مناسبی نمی‌دانند. در نتیجه، صنایع حتی برای تامین هزینه‌های روزمره با کمبود منابع مواجه هستند و توان بانکها در تامین مالی هر سال کمتر از قبل شده است. گزارش‌های شامخ هم نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ درصد بنگاههای صنعتی کمتر از ظرفیت اسمی خود فعالیت می‌کنند. فشار هزینه‌های بالای تامین مالی و دسترسی محدود به منابع باعث افزایش قیمت تمام‌شده و کاهش حاشیه سود شده و در نهایت، واحدهای تولیدی را در مسیر زیان‌دهی قرار داده است.

او با اشاره به روش‌های تامین مالی صنایع گفت: شاخص شامخ نشان می‌دهد

اکوسیستم تامین مالی را چنان پیچیده و پرهزینه کرده که عملاً مفهوم سرمایه‌گذاری برای توسعه ظرفیتهای جدید جای خود را به تقابل برای تامین سرمایه در گردش جهت بقای روزمره داده است. از سوی دیگر، قطع ارتباط با شبکه بانکی جهانی و چالش‌های FATF، ابزارهای کارآمدی چون ترید فاینانس و اعتبارات اسنادی بین‌المللی را از دسترس خارج کرده و تولیدکننده را ناچار به بلوکه کردن نقدینگی ربالی برای ماهها جهت دریافت ارز کرده است. هم‌زمان در بعد داخلی، نظام بانکی به دلیل کاهش جذابیت سپرده‌گذاری و محدودیتهای بانک مرکزی، توان اعطای تسهیلات نقدی را از دست داده و به اجبار به سمت ابزارهای تعهدی و زنجیره‌ای مانند اوراق گام و برات حرکت کرده است. این تغییر پارادایم از پول نقد به ابزارهای اعتباری، برای صنایعی که سال‌ها به تسهیلات سنتی و ارزان‌قیمت عادت داشته‌اند، به مثابه شوک عمل کرده است. در چنین فضای، بنگاهها ناچار به استفاده از روش‌های جایگزین شده‌اند، درحالی‌که زیرساخت و آمادگی کافی برای این گذار وجود ندارد. نتیجه این فرآیند فرسایشی، فعالیت نیمی از بنگاههای صنعتی با ظرفیتی کمتر از توان اسمی و تبدیل شدن تامین مالی به اصلی‌ترین گلوگاه تولید در کشور است.

توقف چرخ تامین مالی

فرشید شکر خدایی، رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تامین مالی اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به تفاوت سرمایه‌گذاری و تامین مالی عنوان کرد: سرمایه‌گذاری به توسعه واحدهای صنعتی و ایجاد ظرفیتهای جدید اشاره دارد که این مسیر در شرایط فعلی با چالش‌های جدی مواجه است. درحالی‌که تامین مالی ارزی از صندوق توسعه ملی با نرخ‌های سالانه ۱۰ تا ۱۲ درصد انجام می‌شود که با توجه به افزایش نرخ ارز، عملاً برای بسیاری از بنگاهها قابل استفاده نیست. از سوی دیگر، تامین مالی ربالی نیز با هزینه‌های حدود ۴۰ درصد در سال همراه است. نرخ‌ی که بازپرداخت آن در کوتاهمدت برای هیچ کسب‌وکاری امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی، بنگاهها ناچار به استفاده از روش‌های محدود و سنتی تامین مالی شده‌اند. پیش‌فروش یکی از این روش‌هاست که به‌ویژه در بخش مسکن رواج دارد و سازندگان از این طریق بخشی از هزینه‌های ساخت را تامین می‌کنند. در واحدهای تولیدی نیز منابع مالی عمدتاً از محل پیش‌فروش و ابزارهای تامین مالی زنجیره‌ای مانند اوراق گام تامین می‌شود که سهم آن محدود است. علاوه بر این، سرمایه در گردش کوتاهمدت ۳ تا ۴ ماه برای تامین مواد اولیه به‌کار می‌رود و نقشی در سرمایه‌گذاری و توسعه کسب‌وکار ندارند. او افزود: این در حالی است که تسهیلات توسعه‌ای باید دارای دوره بازپرداخت پنج تا ۱۰ ساله باشند، اما چنین وامهایی در شرایط فعلی به‌ندرت در دسترس قرار می‌گیرند. مسیر دیگر، تامین مالی از طریق انتشار اوراق بدهی در بازار سرمایه است که آن هم با نرخ‌ها و الزامات خاص خود همراه است.

این فعال بخش خصوصی با اشاره به انواع روش‌های تامین مالی از منابع خارجی عنوان کرد: تامین مالی خارجی در ایران عمدتاً از مسیر شرکت با سرمایه‌گذاران خارجی انجام می‌شود طوری‌که برخی فعالان اقتصادی خارجی برای حضور در بازار ایران شریک داخلی پیدا می‌کنند. حتی با وجود محدودیتهای سالانه حدود ۴ تا ۴ میلیارد دلار از این محل وارد کشور می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها صرفاً به چین و روسیه محدود نیست و سرمایه‌گذارانی از سایر کشورها در ایران فعالیت دارند. از طرفی، در حال حاضر فاینانس

اینفوگرافیک



پس از حذف نرخ ترجیحی ارز (دلار) برای کالاهای اساسی به‌جز گندم و دارو، بانک مرکزی اسامی متقاضیانی که از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا پایان آذر بیشترین میزان ارز با نرخ ترجیحی ۲۸،۵۰۰ تومان را دریافت کرده‌اند، منتشر کرد.

عکس نوشت



راهپیمایی محکومیت اقدامات تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران - گرگان

کارتون



راهپیمایی محکومیت اقدامات تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران - همدان

نماد درهم‌شکستن موانع

در اوج دوران «ریزورجیننتو» و شکل‌گیری جنبش اتحاد ایتالیا، روایت فردوسی از شاهزادگان جنگجو و بنیان‌گذاری دولت، مورد توجه محافل مهن‌پرست ایتالیایی قرار گرفت و فردوسی در نگاه آنان به‌عنوان «متحدی نمادین» در مسیر آرمان‌های ملی ایتالیا شناخته شد. ایتالو پیتری (۱۹۲۰ - ۱۸۴۹) پژوهشگر ایتالیایی زبان و ادبیات فارسی نخستین کسی بود که میان سال‌های ۱۸۸۶ تا ۱۸۸۸، اولین و تنها ترجمه کامل شاهنامه را به یکی از زبان‌های اروپایی ارائه کرد. اخیراً نسخه‌ای تازه از این ترجمه توسط انتشارات «لونی» و با هدف بازگرداندن شأن و منزلت این اثر سترگ، در ایتالیا منتشر شده است. به گزارش ایبنا، در این بازنشر، پروفیسور سیمون کریستوفورتی از دانشگاه کافوسکاری ونیز، که از متخصصان برجسته مطالعات فردوسی است، ترجمه پیتری را با دقت بازنگری کرده و با تضمین انسجام اصطلاح‌شناسختی و وفاداری مفهومی، امکان بهره‌گیری خواننده معاصر را بدون کاستن از جذابیت روایت شاعرانه قرن نوزدهم فراهم کرده است.

این مجموعه در قالب شش جلد پیوسته و در مجموع چهارهزار و ۱۱۲ صفحه عرضه شده است. جلد نخست این کتاب شامل یک ضمیمه رنگی ۱۶ صفحه‌ای است که بازتولیدهایی از کهن‌ترین مینیاتورهای شناخته‌شده مرتبط با داستان‌های شاهنامه را در بر می‌گیرد.

سیمون کریستوفورتی، ویراستار چاپ جدید ترجمه کلاسیک پیتری از شاهنامه، می‌گوید: «انتشار دوباره پس از گذشت بیش از یکصد سال از نخستین چاپ آن (تورین، انتشارات وینچنزو بونسا، ۱۸۸۸ تا ۱۸۸۶) ترجمه کامل منظوم شاهنامه که به قلم ایتالو پیتری انجام شده است، رویدادی مهم در چشم‌انداز پژوهش‌های ایران‌شناسی و به‌طور کلی، در حوزه ادبیات تطبیقی، به‌شمار می‌آید. این انتشار، افزون بر آنکه اثری با اهمیتی بنیادین برای فهم فرهنگ ایرانی را در اختیار طیف گسترده‌ای از مخاطبان قرار می‌دهد، نوعی رویکرد ترجمه‌ای بسیار خاص را نیز به خواننده ایتالیایی عرضه می‌کند، متن ایتالیایی نه‌تنها به نظم است، بلکه از حیث سبک نیز بر الگوی ترجمه‌های نامدار سسدنوزدهمی از آثار وی بنیادین همچون ایلیاد هومر و انابید ویرژیل شکل گرفته است.»

او توضیح داد: «در خصوص پیامدهایی که این انتشار می‌تواند در محیط دانشگاهی داشته باشد، بر این باورم که برای دانشجویان، پژوهشگران و استادان، دسترسی به ترجمه ایتالیایی اثری به این گستردگی امری اساسی است؛ چراکه خواندن متن در زبان اصلی فارسی همواره برای همگان آسان نیست. تجربه شخصی من به‌عنوان مدرس در دانشگاه کافوسکاری ونیز نشان داده است که شاهنامه متنی با ظرفیتهای بسیار بالاست؛ هم از نظر آموزشی و هم از منظر پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی.»

فانتنو لوتزای، ناشر ایتالیایی این اثر، نیز گفته است: «سال‌هاست که من در راه انتشار آثار فاخر کلاسیک گام نهاده‌ام؛ به‌ویژه آثاری از مناطقی از جهان که دست‌کم در ایتالیا تقریباً ناشناخته بوده و هستند، مانند چین، هند، ژاپن، ایران باستان و جهان عرب. شاهنامه، از دیدگاه شخصی من، در زمره والاترین آثار ادبی قرار می‌گیرد که بشر تاکنون توانسته خلق کند. فردوسی تنها مردی است که هزار سال پیش، یکی از باورنکردنی‌ترین دستاوردهای تاریخ بشریت را به نگارش درآورد و محقق ساخت: شصت هزار بیت که وقف تاریخ ایران شده است؛ اثری بی‌همتا.»

او گفت: «بهدرت تا این اندازه به انتشار اثری افتخار کرده‌ام: شاهنامه، در شش جلد شامل ۴۰۰۰ صفحه ترجمه و ۱۲۰ صفحه پیش‌گفتار و توضیحات، شالگاری ناشناخته برای ایتالیاست؛ این اثر «پلهی حقیقی» میان تمام فرهنگ‌ها محسوب می‌شود و نماد درهم‌شکستن موانع و تمایزات فرهنگی است؛ اثری که صنعت نشر ایتالیا بیش از حد آن را نادیده گرفته و پنهان کرده بود، و امروز انتشارات «لونی» (Luni Editrice) سرانجام آن را در قالب تنها نسخه تماماً منظوم (به شعر) به یک زبان غربی در جهان، در دسترس همگان قرار می‌دهد. به همین دلیل، انتشار این اثر توسط ما و با قرار دادن آن در اختیار پژوهشگران، کتابخانه‌ها و خوانندگان، یک خلأ فرهنگی باورنکردنی را پر می‌کند. تنها آرزویم این است که این اثر به قلب همه انسان‌ها راه یابد. ما بذرهای کاشتیم که برای نسل‌های آینده ثمر خواهند داد. و بی‌تردید، این وظیفه آغازین و فرجامین هر ناشر است.»

رشد ضعیف قاره سبز

بررسی‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) همچنان نشان‌دهنده عقب ماندن منطقه یورو از آمریکا و چین است. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) اعلام کرد که رشد واقعی تولید ناخالص داخلی منطقه یورو در سال ۲۰۲۵ از دو اقتصاد بزرگ جهان یعنی آمریکا و چین عقب مانده است. در سال ۲۰۲۵، وقوع جنگ‌های تجاری، تهدیدهای تعرفه‌ای و کاهش نرخ‌های بهره، اقتصاد جهان روند متفاوتی را پشت سر گذاشت و انتظار می‌رود که این رویدادها در سال ۲۰۲۶ نیز ادامه یابند. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود